



سلسله انتشارات انجمن آثار ملی
۱۰۴

کتابخانه کتابخانه خطی

تألیف

شادروان دکتر محمدی بیانی
استاد فقید دانشگاه تهران

برگوشش
حسین محبوبی اردکانی

کتابشناسی، کتابهای خطی

مجموعه انتشارات انجمن آ

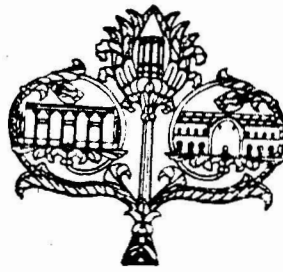
کتابشناسی

۱۲

۶

۵





سلسله انتشارات انجمن آثار ملی

۱۰۴

کتابشناختها خطی

تألیف

مصادروان دکتر محمدی بیانی

استاد فقید دانشگاه تهران

به کوشش

حسین محبوبی اردکانی

چاپ و صحافی این کتاب در ۱۰۰۰ نسخه در فروردین ماه ۱۳۵۳
در چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران خاتمه پذیرفت
شماره ثبت در دفتر مخصوص کتابخانه ملی ایران

۱۸۲۱

۵۲۱۲۱۸

بنام آفریدگار بزرگ و انا و توانا

پس از سپاس فراوان بدرگاه پروردگار بزرگ و درود بسیار برو اسپین سیمین
حضرت محمد مصطفی «ص»

در پر تو عنایات کریمانه ذات نجسته علی حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی
شاهنشاه آریا مهر رساله کتابشناسی کتابهای خطی در معرض انتشار و استفاده
علاقه‌مندان قرار میگیرد.

بهمانطور که خوانندگان ارجمند میدانند در میان نمونه‌های فراوان آثار هنری
کوناگون که از دیرباز در سرزمین هنر آفرین ایران پدید آمده و پیوسته دیده‌ی هنرشناسان
و هنردوستان جهان را بخود معطوف داشته است میتوان نسخه‌های کتابهای خطی
روزگاران قدیم را در ردیف مهمترین و پرمعنی‌ترین آنها شناخت چه نسخه‌های خطی
کتابهای قدیم در عین آنکه از نظر معنی و جنبه علمی گواه دانش دیرین و فرهنگ قوم
و اصل مردم ایرانست از لحاظ خط و تزیین و مینا تو و جلد سازی و ریزه کاریها

دیگر و همچنین جلوگیری کاغذ آنها از جمله بهترین نمودارهای گنجینه های هنری شمار میرود
 و طبعاً کوشش برای بهتر شناختن این دسته از یادگارهای گرانبهای فرهنگی و آشنائی
 افروزتر با چنین آثار معنوی درخشان مهین غریز ضمن دیگر وظائف ملی بر عهده فرزندان
 مرزوبوم ایرانست و کتاب حاضر هم گامی کوتاه در راه انجام چنین وظیفه شمار میرود.
 آنچه از نظر خوانندگان عزیز می گذرد بر اثر دلبستگی و همکاری چند نفر از شیفتگان
 خدمات مفید با آثار ارزنده گذشتگان حاصل آمده است، دانشمند گرامی آقای ایرج
 افشار در آذرماه ۱۳۴۹ وجود تألیف پایان نیافته کتاب را که بوسیله شادروان
 دکتر مهدی بیانی استاد فقید دانشگاه تهران تهیه شده بود با اطلاع انجمن آثار ملی رسانید
 و طبق پیشنهاد ایشان آقای حسین محبوبی اردکانی زحمت مباشرت و سرپرستی
 چاپ آنرا بر عهده گرفتند و بدین ترتیب خدمت مفید و ارزنده ای که صورت گرفته
 بود ادامه یافت، از طرف خانواده مؤلف فقید کتاب نیز لازمه مساعدت
 بعمل آمد و بخصوص مکهای ذیقیمت اولیاء محترم کتابخانه مجلس شورای ملی موجباً
 پیشرفت بهتر و مفیدترین خدمت علمی و ملی را فراهم ساخت و در نتیجه کتاب نامبرده
 بصورت حاضر بچاپ رسید و انتشار یافت.

از عموم عناصر ارجمندی که با همراهی و همگامی ارزنده خود در این باره بخت
آثار ملی را یاری فرمودند اظهار سپاسگذاری مینماید و توفیق روزافزون در راه هر
گونه خدمت بمفاخر ملی و معنوی سرزمین عزیز ایران را از خدای بختا سئلت میدا

بِسْمِ اللَّهِ وَكَرَمِهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ

فهرست مندرجات

صفحه	موضوع
۳	فصل اول : تقسیم بندی مطالب
۴	علوم فلسفی - علوم دینی
۵	علوم اجتماعی
۶	زبان شناسی - علوم
۷	هنرهای زیبا - ادبیات
۸	منظومات از دوره ساسانیان تا معاصر
۹	تاریخ
۱۲	جغرافیا - کلیات
۱۳	فصل دوم: توصیف - شماره کتاب - قطع
۱۴	اندازه های مختلف کتاب به تعبیرات قدیم
۱۵	اندازه نوشته کتاب
۱۶	شماره صفحه ها
۱۷	مناسب ترین محل و بهترین طرز شماره گذاری
۱۷	شماره و سطور هر صفحه - مسطر
۱۹	کاغذ - ممالک و مراکز کاغذ سازی
۲۰	انواع کاغذها - متن و حاشیه کردن کتاب
۲۰	کاغذ آهار مهر - نوع خط
۲۱	خط کوفی - اقلام سته - تحول خطوط

صفحه

موضوع

۲۳	میزان درشتی و ریزی خطوط - تزیینات نسخه - تذهیب
۲۴	ترصیع - تشعیر - تحریر - حل کاری - افشان گری
۲۵	مرکب الوان - عکاسی - قطاعی - جدول
۲۶	کمند
۲۷	سرلوح - سرفصل یا سرسخن
۲۸	تصاویر - شمسه
۲۹	ترنج - سرترنج - نیم ترنج - لچکی یا گوشه یا کنج
۳۰	تزیین فهرست نسخه - سایر تزیینات
۳۱	سبکهای تذهیب و تصویر
۳۲	استادان دوره اول تیموری تا دوره شاه طهماسب
۳۳	دنباله نام استادان تا دوره معاصر - تاریخ تحریر
۳۷	نام کاتب - انواع جلد
۳۸	جلد سوخت - جلد ضربی
۳۹	جلد روغنی
۴۰	معروفترین مجلدان از زمان بایسنقر تا سنوات آخر
۴۰ و ۴۱	جلدهای پارچه ای - تزیینات آنها - سبک های جلدسازی
۴۳	فصل سوم : تعریف - اسم یا عنوان کتاب - نام یا عنوان کتاب
۴۴	مصنف - مؤلف - مترجم
۴۵	اقتباس توضیح درباره کیفیت تألیف کتاب
۴۷	چنانچه نسخه خطی کتاب کامل نباشد - نقل قسمتی از عین مطالب کتاب
۴۸	مطالبی که کتاب نسخه ها از خود می نویسند - معرفی مصنف و مؤلف
۵۰	فصل چهارم : ملاحظات - نکاتی که بر اهمیت کتاب می افزاید
۵۱	یک نسخه ممتاز از مجمع التواریخ و تحفة العراقین
۵۱	تعبیرات تحویل و تفتیش کتاب در کتابخانه ها
۵۲	کتابهای وقفی - ناقص - پیریشان، چاپ شده
	فصل پنجم : منابع مراجعه

صفحه	موضوع
	فصل ششم : فهرست ها - فهرست اعلام - فهرست اسامی اشخاص و قبایل و سلسله ها
۵۴	فهرست کاتبان و نقاشان - فهرست اسامی کتابها
۵۵	فهرست شهرها و اسکنه - فهرست مندرجات
۵۶	خاتمه : ثبت کتابهای خطی
۵۸	چند اصطلاح صحافی و تزینی به زبان فرانسه و انگلیسی

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از هنرهای بسیار ظریف ایران، هنر کتاب سازی است. این هنر نه تنها بارواج علم و هنر بستگی دارد بلکه نماینده لطف و ظرافت و کمال ذوق و قریحه و نشان دهنده علاقه مردم ایران به کتاب است. درست است که از هر کتابی ولو ساده هم باشد می توان استفاده علمی نمود ولی کی می تواند منکر تأثیر مطبوع و نشاط آور تذهیب و نقش و نگار و آثار هنرمندان چیره دست در کتابها و اسناد بشود. اگر در خواندن کتاب قوه فهم آدمی اقناع می شود با دیدن مناظر زیبایی نقاشی و نقش و نگار و آرایش کتاب حفظ بصر نیز بر آن اضافه شده خوشی و نشاط دیگری در انسان بوجود می آورد یعنی در واقع لزوم تجسم مطالب و نشان دادن اشکال هندسی و اجسام و پیکره های انسان و حیوان، و از اینها گذشته ذوق لطیف زیبا پسندی کار تهیه کتاب را بمرحله ای می رساند که وجد و نشاط قوه درآ که را دوچندان می سازد هم از جهت فهم مطالب و هم از جهت دیدن ریزه کاریها و ظرافت ها و حسن ترکیب رنگها و بوجود آوردن اشکال بدیع و زیبا و آراستن صفحات کتاب بصور گوناگون، و از اینرو در حقیقت کیفیات مختلف تهیه کتاب در یک کشور نماینده مراحل مختلف تمدن و ذوق و تجمل و ثروت اهالی آن کشور است چنانکه در صنعت معماری نیز چنین است. خوشبختانه مکاتب هنری ایران پر است از این آثار ذوق و لطف طبع که حقیقه نمایشگر علاقه تام و تمام طبقه مرفه کشور از حکام و فرمانروایان و غیر آنان بظرافت و زیبایی است. اکنون مناسبست مقام اقتضا دارد که جمعی از سابقه هنر خط و تذهیب و کتابت از نظر خوانندگان محترم کتاب بگذرد شاید مزید فایده باشد. آنچه در این زمینه بعضی می رسد عقاید دوتن از متخصصان آلمانی و آمریکائی مقتبس از کتابهای آن دواست که بفارسی

ب

ترجمه شده است یکی بنام «هنر اسلامی» و دیگر «راهنمای صنایع اسلامی» که در مواردی عین عبارت و در موارد دیگر با اندک دخل و تصرفی که بمطالع لطمه نزنند نقل شده است و چون عمده آثار این صنعت که در دست است از دوره ایلخانان ببعدهست از بحث در مسائل مربوط بدوره های پیش از آن صرف نظر می شود^۱. این دو کتاب در زیر صفحه بعلامت اختصاری «ه» و «ر» ذکر شده است.

پس از سقوط بغداد (۶۵۶ هـ) سلاطین ایلخانی این شهر را مقر زمستانی خود خود قرار دادند و هنرمندان و صنعتگران از همه ممالک اسلامی بخصوص از ایران و عراق به دربار آنها در آن شهر، و نیز تبریز و مراغه و سلطانیّه روی آوردند^۲ و باینکه این پادشاهان در ایران بیگانه بودند به صنایع ملّی ایران علاقه پیدا کردند و منجمله نقّاشان دربار خود را تشویق نمودند که کتاب شاهنامه فردوسی را مصوّر سازند و از این رو این اثر عظیم قرنهای سرچشمه الهام هنرمندان و نقّاشان ایرانی بوده است^۳. و از این کتاب شریف نسخه های متعدد مصوّر و مذهب در کتابخانه ها و موزه های بزرگ جهان وجود دارد.

در زمان این پادشاهان یعنی ایلخانان صنعت خط و تذهیب بتناسب زمان به اوج کمال و ترقی رسید^۴. قرآنی در شوال ۷۳۸ توسط عبدالله بن احمد مراغه ای نوشته شده که قسمتی از آن در انگلستان و قسمتی دیگر در آمریکا است و اوراق آن حاکی از استعداد و هنرمندی عجیب تذهیب کاران ایرانی است که از ترکیب خط و تزئین یک نوع طرح تزئینی جدیدی بوجود آورده اند^۵.

این هنر تذهیب منحصر به قرآن نبود بلکه بتدریج در نسخه های دیگر هم بکار رفت^۶. تیمور پس از تسخیر بغداد عده زیادی از هنرمندان و صنعت گران آن شهر را بمتن

۱ - یک نسخه قرآن در موزه بریتانیاست که تاریخ جمادی الاولی ۲۷ و چندین صفحه

تذهیب شده عالی دارد که تزئینات آن طواری شکل و به اسلوب دوره سلجوقی است (ر).

ص ۷۹) ۲ - ر. ص ۴۷ ۳ - ر. ص ۵۰ ۴ - ر. ص ۸۰

۵ - ر. ص ۸۱ ۶ - ر. ص ۸۱

ج

حکومت خود یعنی سمرقند روانه کرد^۱ و شاهرخ عده زیادی از هنرمندان را برای استنساخ و مصوّر ساختن کتب جهت کتابخانه مشهور خود استخدام کرد^۲ و پسرش بایسنقر یک کتابخانه و مدرسه فنون کتابت تأسیس کرد که در آن چهل هنرمند از قبیل نقّاش و خوشنویس و صحّاف کاری کردند^۳. ایجاد سبک ملّی ایرانی در نقّاشی که بتدریج نفوذهای خارجی در آن مستحکم گردید مرهون مکتب نقّاشی هرات است که پایتخت شاهرخ و از شهرهای اصیل و مهم ایران بود. شعبه‌ای از مکتب تیموری هم در شیراز مقرر سلطان ابراهیم پسر شاهرخ رونق گرفت^۴. در کتابخانه سلطنتی نسخه‌ای از شاهنامه بخط جعفر بایسنقری موجود است که در سال ۸۳۳ نوشته شده و از شاهکارهای نقّاشی دوره تیموری محسوب می‌شود و نیز کتاب کلیله و دمنه‌ای که از حیث زیبایی تصویر و مینیاتور بی نظیر است^۵.

تذهیب دوره تیموری سبک مشخص و مخصوصی دارد که تزیینات و اشکال گیاه بشکل طبیعی و گاهی اشکال طیور و حیوانات به اسلوب چینی در آن نقش عمده داشت^۶ و نمونه کامل آن نسخه شاهنامه کتابخانه سلطنتی است که تزیینات و طرحهای گل و گیاه تذهیب کاریهای آن گواه دقت در جزئیات و شفافیت رنگ است بطوریکه نظیر آن فقط در مینا کاری دیده می‌شود^۷.

مکتب هرات با ظهور بهزاد و با حمایت خاص سلطان حسین بایقرا و وزیرش امیر علی شیر نوائی بکمال ترقی و اعتلاء خود رسید.

وقتی شاه اسمعیل صفوی هرات را گرفت بهزاد به تبریز رفت و در مغرب ایران بتأسیس مکتب نقّاشی جدیدی اقدام کرد و به این ترتیب مرکز هنر نقّاشی ایران از خراسان به تبریز انتقال یافت در حالی که هرات تا مدتی مرکز صنعتی و هنری باقی ماند^۸ بنابراین

۱ - ر. ص ۵۳ ۲ - ر. ص ۵۴ ۳ - همان مأخذ ۴ - ر. ص ۵۵

۵ - همان مأخذ ۶ - ر. ص ۵۶ ۷ - ر. ص ۸۲ ۸ - ر. ص ۸۳

۹ - ر. ص ۵۸ ۱۰ - ر. ص ۶۱

صنعت خط و تذهیب که در دوره تیموری تکمیل شد در زمان صفویه ادامه یافت^۱ و برای تهیه قرآنهای مجلل و فاخر، تبریز به عنوان پایتخت جدید بصورت مرکزی با شهرت جهانی درآمد و معروفترین استادان خط نسخ و ثلث و برجستهترین نقاشان و تذهیب کاران را جهت تزین متون قرآن گرد هم آورد بطوریکه یک نوع خاص قرآن که در آنجا تهیه می شد در دوره های بعد هم نه تنها در ایران بلکه در عثمانی و هندوستان هم - که در قرن شانزدهم میلادی خطاطان و نقاشانی از تبریز آنجاها رفته بودند - دارای اعتبار بود^۲.

نقاشان دوره صفوی ابتکار تازه ای بکار بستند که عبارت بود از داخل کردن تزینات مفصل در خود مینیاتور بطوریکه خاصیت تزینی مینیاتورها زیاد کرد و از طرفی تذهیب کاری و نقاشی با طلا بوسیله هنرمندان دوره صفوی ترقی کرد^۳ « شاه عباس در اصفهان یک مدرسه نقاشی تأسیس نمود تا هنرمندان ایرانی کار استادان گذشته را بیاموزند » و از نقاشان آن دوره رضای عباسی تعداد قابل ملاحظه ای نقاشی با امضای خود باقی گذاشته است و سبک نقاشی او سر مشق و مورد تقلید بسیاری از نقاشان ایران قرار گرفته است^۴. محققان اروپائی کارهای این استاد را بسیار شبیه آثار استادان هلندی قرن ۱۷ میلادی دانسته اند^۵.

همزمان با مکتب نقاشی دوره صفوی مکتب نقاشی دیگری در بخارا رواج داشت و عده زیادی از نقاشان و خوشنویسان مکتب هرات به بخارا منتقل و یا فرستاده شده بودند و در آنجا به اسلوب مکتب تیموری و بخصوص سبک بهزاد بکار خود ادامه می دادند^۶.

کار خطاط و رسام در تولید کتاب با عمل صحاف تکمیل می شد. تزین و آرایش جلد منحصر به رویه خارجی آن نبود بلکه اندرون آن هم معمولاً تزین و نقاشی می شد^۷.

۱ - ر. ص ۸۳ ۲ - ه. ص ۱۸۸ ۳ - ر. ص ۸۴ ۴ - ر. ص ۶۶

۵ - ر. ص ۶۷ ۶ - ه. ص ۱۹۰ ۷ - ر. ص ۶۵ ۸ - ر. ص ۸۶

واژبه‌ترین کارهای صحافی و تجلید کتاب، تجلیدات و صحافی‌های دوره تیموری است.^۱ تزئین جلد کتاب در دوره صفوی از لحاظ طرز عمل با صحافی و تجلید دوره تیموری فرق دارد زیرا تزئینات آن با قالب‌های بزرگ مس و فولاد تهیه و بعمل آورده می‌شد. در زمان شاه طهماسب جلد مقوایی نقاشی شده مرسوم شد و متعاقب آن لاک و روغن در کار جلد سازی بکار رفت.^۲ تزئینات جلد کتاب در قرون بعد نیز به اسلوب دوره صفوی ادامه یافت و هنرمندان عثمانی نیز از سبک و اسلوب ایرانی پیروی می‌کردند و صنعت صحافی و تجلید کتاب از راه ایران و بخصوص و نیز به اروپا راه یافت و در نتیجه روابط بازرگانی ایران با ممالک مشرق، صنعت صحافی و جلد سازی بسبک اسلامی و طلاکوبی و تزئین جلد کتاب در اروپا شایع شد.^۳

اوراقی که از لحاظ خوانندگان گرامی می‌گذرد مجموعه دروسی است در زمینه شناسائی کتب خطی برای تدریس در دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی که در اوقات مختلف باقید تاریخ بوسیله مرحوم دکتر مهدی بیانی استاد هنرمند دانشگاه تهران تهیه شده است. مرحوم دکتر بیانی که خود خوشنویس و هنرمند بود و با کسانی که در زمینه هنر کتاب و خوشنویسی مهارت و اطلاعات وسیع داشتند آشنائی و حشر و نشر داشت و رموز کار را از آنان بخوبی فرا گرفته بود، یکی از شایسته‌ترین اشخاص برای اظهار نظر در اینگونه مسائل هنری و صنایع ظریفه بود. دوره خدمت او در کتابخانه ملی و از آن مهم‌تر در کتابخانه سلطنتی و شناسائی نزدیک نسبت به آثار هنری کتاب سازی ایران که طی قرون و اعصار در این گنجینه با اعتبار فراهم آمده است او را در کار خود ورزیده‌تر و برای قضاوت در کارهای هنری مطلع‌تر و بصیرتر ساخت. مقالات او در این زمینه‌ها که در مجلات مختلف و منجمله پیام‌نویین انتشار یافته و سه جلد کتاب شرح احوال خوشنویسان او گواه بر این معنی است.

بنای کار مرحوم بیانی در این درس بر این بود که مطالب لازم برای درس را با

قید تاریخ دردفتری ثبت می کرده و بعد برای انتشار پاکنویس می نموده است. نزدیک به دوثلث از این رساله پاکنویس شده بود که دست اجل آن استاد اجل را در ربود و دوستان و شاگردانش را از فیض بیان و بنان او محروم ساخت.

همکاران و دوستان آن مرحوم که احتیاج جامعه علمی و کتابخانه ها و کتابداران و دانشجویان دانشگاه را به این رساله می دانستند و به عیان می دیدند در صدد طبع و انتشار آن برآمدند و خوشبختانه حسن نیت و علاقه اولیاء محترم انجمن آثار ملی نسبت به این قبیل امور خیر کمک بزرگی به این کار نمود در این جریان توفیق رفیق اینجانب شد که بنابر حسن ظن سروران - نه شایستگی خود - بعنوان عامل طبع، از خرمن دانش و هنر استاد فقید - که خود و برادرش متعناً الله بطول حیات سالی و سالیانی بر این بنده حق استادی داشته و دارند - استفاده و استفاضه نمایم اینک بنام خود و خوانندگان محترم علاقه مند، از اولیاء محترم انجمن مربو و عنایت و توجهی که بدینکار مصروف داشته اند سپاسگزاری می نمایم.

کتاب چنانکه ملاحظه می فرمائید محتاج به عکسهای متعددی بود و مرحوم مؤلف هم دردفتر خود و پاکنویس آن جایجا حرف «ش» گذارده است و چون خود دارای آثار هنری بسیار بود و بر آثار بسیار ممتازی دسترسی داشت اگر اشکال لازم را هم انتخاب کرده بود، کتاب خیلی بهتر و نزدیکتر بسر حد کمال بدست خوانندگان گرامی می رسید لیکن متأسفانه این کار نشده بود و بنده ناچار کمک اولیاء محترم انجمن آثار ملی و بخصوص با توجه و عنایت ریاست محترم کتابخانه مجلس شورای ملی و همراهیها و راهنمایی های مدیر قسمت کتب خطی آن کتابخانه که حقیقه کمال همراهی را نمودند - عکس های کتاب را بنابر آنچه مؤلف یادداشت کرده بود - بوسیله عکاسان وزارت فرهنگ و هنر و بخرج انجمن آثار ملی تهیه و تدارک نمودم و بطور قطع می دانم که اگر انتخاب عکس ها بوسیله خود مؤلف صورت گرفته بود، اکنون خوانندگان گرامی نمونه های بسیار زیباتری را در اختیار داشتند ولی بهر حال مقدر نبود. در تصحیح کتاب دقت شد و خوشبختانه

چند غلطی که پیش آمده از نوع افتادگی حروف است و به قیاس و سیاق کلام فهمیده می‌شود و تنها در صفحه ۳۴ سطر اول کلمهٔ «قسمتی» باید قسمی باشد و جز این، غلط محلی معنی در کتاب وجود ندارد.

امید است که کتاب مورد پسند و استفاده واقع شود و وسیلهٔ درخواست آمرزش و خیراندن فاتحه‌ای برای مؤلف مرحوم گردد که آفرین خدا بروان پاکش باد.

برای شناسائی و تنظیم و تدوین و تألیف فهرست مجموعه کتاب خطّی ، رؤس
مطالبی که باید رعایت شود ، بدین قرار است :

تقسیم بندی - توصیف - تعریف - ملاحظات - منابع - فهرست اعلام -
مندرجات، وهریک از این عنوانها در فصل جداگانه بحث می شود .

فصل اول

تقسیم بندی مطالب

برای فهرست کردن کتابهای خطی، باید نخست نسخه‌های خطی یک کتابخانه را، با رعایت تناسب فرهنگ و تمدن مخصوص آن زبان، تقسیم کرد. آنچه در ایران از نسخه‌های خطی بیش‌تر و مهم‌تر است، کتابهای فارسی و دوم عربی و سوم ترکی است (البته مقصود ما در اینجا از زبان ترکی آن‌هاست که با الفباء متداول ایران است، نه الفباء لاتین و روسی که اکنون در کشور ترکیه و بعضی جاهای شوروی معمول است).

این تقسیم‌بندی علمی را که در مورد کتابهای خطی فارسی قائل شده‌ام ممکن است با روشی که متداول ملل دیگر است و حتی با روشی که درباره کتابهای چاپی فارسی بکار می‌رود، اختلاف داشته باشد، ولی با آزمایشهایی که شده‌است، برتری آن برای نگارنده روشن شده و همین تقسیم‌بندی است که با اندک اختلاف، در کتابخانه‌های مهم جهان، درباره نسخه‌های خطی فارسی رعایت می‌شود.

در تقسیم علوم کتابهای فارسی که تألیف شده و کم و بیش نسخه‌هایی از آنها در هر علم و فن موجود است ابتدا ده قسمت اصلی قائل شده‌ام و بعد برای هر یک از آنها ده قسمت، تقسیمات جزء دیگر بدون رعایت اصول تقسیم‌بندی اعشاری ذکر خواهم کرد باینقرار:

اول (علوم فلسفی

دوم (علوم دینی

- سوم (علوم اجتماعی
- چهارم (زبان شناسی
- پنجم (علوم
- ششم (هنرهای زیبا
- هفتم (ادبیات
- هشتم (تاریخ
- نهم (جغرافیا - سفرنامه‌ها
- دهم (کلیات

بشرح ذیل :

اول (علوم فلسفی

- ۱ - فلسفهٔ مطلق
- ۲ - تاریخ فلسفه
- ۳ - ماوراء الطبیعه
- ۴ - منطق
- ۵ - روان شناسی (علم النفس)
- ۶ - علم الاخلاق
- ۷ - علوم حروفی و نقطوی
- ۸ - مطالبی که از لحاظی با علوم فلسفی پیوستگی دارند، مانند قیافه شناسی و تطییر و تفأل و عزایم و طلسمات

دوم (علوم دینی

- ۱ - تعریف ملل و نحل
- ۲ - ترجمه و تفسیر فارسی قرآن

الف) بطریقهٔ پیروان تشیع

ب) بطریقهٔ پیروان تسنن

۳- فقه

الف) بطریقهٔ پیروان تشیع

ب) بطریقهٔ پیروان تسنن

۴- اصول

۵- کلام

۶- احادیث و اخبار

۷- انجیل و کتابهای دینی مسیحیت

۸- تورات و کتابهای دینی یهود

۹- آئین زرتشتی

۱۰- آئین بودائی

۱۱- آئین برهمنائی

۱۲- سایر ادیان

سوم) علوم اجتماعی

۱- علوم سیاسی

۲- علم اقتصاد

۳- علوم تربیتی

۴- تدبیر منزل

۵- قوانین و مقررات

۶- کتاب شناسی - فهرست کتاب

۷- متفرقه

چهارم) زبان شناسی

۱ - فرهنگها

الف) فارسی بفارسی

ب) فارسی بعربی - عربی بفارسی

ج) فارسی بترکی - ترکی بفارسی

د) فارسی به دیگر زبانها - بعکس

۲ - صرف ونحو واشتقاق

الف) دستور زبان فارسی

ب) صرف ونحو واشتقاق زبان عربی بفارسی

ج) صرف ونحو زبان ترکی بفارسی

د) صرف ونحو واشتقاق سایر زبانها بفارسی

۳ - علم الانشاء (دستور نگارش)

۴ - عروض وقافیه

۵ - تاریخ خط

۶ - متفرقه

پنجم) علوم

۱ - علوم مطلقه

الف) ریاضیات : حساب - هندسه - جبر ومقابلہ

ب) هیأت - نجوم

ج) علوم طبیعی (فیزیک)

د) کیمیا (شیمی)

ه) حیل (مکانیک)

و (جانور شناسی (علم الحيوان)

ز (گیاه شناسی (معرفة النبات)

ح (زمین شناسی (معرفة الارض)

۲ - علوم مفیده

الف (پزشکی (طبّ)

ب (دام پزشکی (بيطره)

ج (داروسازی (علم الأدوية)

د (کشاورزی (فلاحت)

هـ (مهندسی - معماری

و (بازرگانی (تجارت)

ز (متفرقه (مانند بازیهای : شطرنج ، نرد ، چوگان بازی ، کمانداری

وشکار

ششم (هنرهای زیبا

۱ - آداب و ادوات خوشنویسی

۲ - تذهیب و نقاشی و قطاعی و ادوات آنها

۳ - موسیقی و ادوار

۴ - سایر هنرهای زیبا (مانند : حجاری ، نقاری ، حکاکی ، کاشی پزی ،

جلد سازی ، منبت کاری ، خاتم کاری ، قالی بافی ، زری بافی و غیره)

هفتم (ادبیات

۱ - نثر

الف (فلسفه ادبیات ، نقد الشعر و نقد النثر

ب (تاریخ ادبیات

(ج) فنون بلاغت (بدیع - معانی - بیان)

(د) متون ادبی

(هـ) افسانه‌ها و حکایات و قصص

(و) متون عرفانی

(ز) امثال و حکم

(ح) منشآت

(ط) مکاتیب

(ی) فرمانها و منشورها و احکام

(ک) اسناد تاریخی

(ل) مقامات

(م) قطعات منتخبه

این تقسیمات بر حسب ادوار مختلف که در تقسیم بندی تاریخ ذکر خواهد شد ،

تعیین می شود

۲ - منظومات

(الف) نظم دوره ساسانیان : دوره نخست ، از ابتدا تا قرن چهارم هجری

(ب) « « غزنویان : دوره دوم ، از قرن چهارم تا پنجم

(ج) « « سلجوقیان : دوره سوم ، از قرن پنجم تا هفتم

(د) « « مغول : دوره چهارم ، از قرن هفتم تا هشتم

(هـ) « « تیموری : دوره پنجم ، از قرن هشتم تا دهم

(و) « « صفویان : دوره ششم ، از قرن دهم تا دوازدهم

(ز) « « افشاریان و زندیان و قاجار : دوره هفتم ، از قرن دوازدهم

تا چهاردهم

(ح) « معاصر : از قرن چهاردهم تا دوره حاضر

ط (قطعات منتخبه

۳- شروح

الف (برمتون ادبی منشور

ب (بر اشعار

تقسیمات بر حسب ادوار مذکور در قسمت دوره‌های مختلف نظم و نثر

هشتم (تاریخ

۱- فلسفه و کلیات تاریخ

۲- تاریخ عمومی عالم

۳- تاریخ انبیاء (باستانهای پیامبر اسلام)

۴- تاریخ پیغامبر اسلام و خلفای راشدین و ائمه

۵- تاریخ ملل و نحل و بزرگان مذهبی

۶- تاریخ سنواتی

۷- تاریخ اختصاصی ایران : سلسله‌ها و دوره‌ها

الف (تاریخ عمومی ایران

ب (تاریخ ایران پیش از اسلام

ج (تاریخ طاهریان - غزنویان - صفاریان - سامانیان - آل زیار

د (تاریخ سلجوقیان : سلجوقیان بزرگ - سلجوقیان کرمان - سلجوقیان

روم و عراق

ه (تاریخ خوارزمشاهیان

و (تاریخ مغول

ز (تاریخ آل مظفر

ح (تاریخ اتابکان : فارس - آذربایجان - یزد

ط (تاریخ تیموریان

ی (تاریخ آق قویونلو — قراقویونلو

ک (تاریخ صفویان

ل (تاریخ افشاریان

م (تاریخ زندیان

ن (تاریخ قاجار تا عصر حاضر

۸ — تاریخ اختصاصی ایران : امکنه مختلف

الف (تاریخ محلی ری و تهران

ب (« « قزوین

ج (« « گیلان

د (« « طبرستان

ه (« « گرگان

و (« « آذربایجان

ز (« « کردستان

ح (« « بختیاری و لرستان

ط (« « خوزستان

ی (« « فارس و بنادر و خلیج فارس

ک (« « کرمان و بلوچستان

ل (« « سیستان

م (« « خراسان

ن (« « یزد

س (« « اصفهان

ع (« « کاشان

ف) تاریخ محلی قم و عراق

ص) « « غیره

۹- تاریخ کشورهای دیگر

الف) تاریخ بخارا

ب) « « فرغانه

ج) « « کاشغر

د) « « هرات

ه) « « افغانستان

و) « « آسیای صغیر

ز) « « بین النهرین

ح) « « قفقاز

ط) « « هندوستان

ی) « « چین و هندوچین و ژاپن

ک) « « عربستان

ل) « « سایر کشورها

۱۰- تذکره و ترجمه های احوال

الف) تذکره فلاسفه

ب) « « دانشمندان دین (رجال)

ج) « « دانشمندان

د) « « وزیران و بزرگان

ه) « « عارفان و صوفیان

و) « « شاعران

ز) « « خوشنویسان

- (ح) « نقاشان و مذهببان و محرران و قاطعان و مجلدان
 (ط) « موسیقی دانان
 (ی) « دیگران

نهم (جغرافیا

- ۱ - جغرافیای تاریخی
- ۲ - جغرافیای عمومی
- ۳ - جغرافیای اختصاصی ایران، تقسیمات متناسب با ترتیبی که در قسمت تاریخ ذکر شد
- ۴ - جغرافیای کشورهای دیگر، تقسیمات متناسب با ترتیبی که در قسمت تاریخ ذکر شد
- ۵ - سفرنامه‌ها، بارعایت تقسیمات تاریخی
- ۶ - نقشه‌های جغرافیائی، بارعایت تقسیمات تاریخ محلی
- ۷ - عجائب البلدان، بارعایت تقسیمات جغرافیائی
- ۸ - متفرقه

دهم (کلیات

- ۱ - مجموعه‌ها، کتابها و رسالات با موضوعهای مختلف که در این فصل فهرست می‌شود و هر موضوع مستقل در جای خود، باینجا حواله می‌گردد
- ۲ - دائرة المعارف‌ها
- ۳ - جُنگ‌ها و سفینه‌ها
- ۴ - مرقعها و قطعات خطوط خوش و تصاویر و غیره
- ۵ - متفرقه

فصل دوم

توصیف

توصیف یک نسخه خطی عبارت است از تعیین مشخصات و ممیزات آن باینقرار :

شماره ترتیب - شماره کتاب - قطع - اندازه نوشته کتاب - شماره صفحات -
شماره سطور هر صفحه - نوع کاغذ - نوع خط و کیفیت آن - تزینات نسخه -
تاریخ تحریر کتاب - نام کاتب - جلد کتاب .
اینک توضیح هر یک از این عنوانها :

شماره ترتیب - پس از آنکه کتابهای یک مجموعه خطی به ترتیبی که ذکر شد، تقسیم بندی گردید ، بهمان ترتیب شروع به توصیف می شود و پس از ثبت نام هر کتاب در فهرست ، بشماره مسلسل آغاز می گردد باین قسم که در وسط سطر شماره « ۱ » و در زیر آن ، در سطر بعد ، نام کتاب نوشته می شود . پس از توصیف این کتاب ، در وسط سطر ، شماره « ۲ » و نام کتاب بعد ، ثبت می شود ، تا با آخرین جلد کتاب خطی موجود برسیم ، چنانکه آخرین شماره موجود در فهرست ، معرف تعداد مجلدات نسخه های خطی این مجموعه خواهد بود .

شماره کتاب - غالباً همان شماره دفتر ثبت ، یا شماره اختصاصی دیگری است .

قطع - اندازه هر کتاب است . تعیین قطع کتاب که امروزه متداول است ، با توصیفی که سابقاً در میان کتاب داران ایرانی معمول بوده ، متفاوت است ، باین معنی که اکنون قطع کتاب را با اندازه دقیق ثابت معین می کنند و بیشتر با اطلاق اصطلاحات

مخصوص ، اندازه کتاب را ، تقریبی ، مشخص می کردند .

با اینکه اندازه کتاب را باروش جدید پذیرفته ایم و عمل می کنیم ، از ذکر اصطلاحات قدیم نیز بی نیاز نیستیم ، زیرا که ممکن است احیاناً به ثبت ها و دفترهای قدیم کتاب برخورد کرد و آن اصطلاحات نباید برای کتابدار بیگانه باشد .

چنانکه گذشت ، پیشتر برای اندازه های مختلف کتاب عنوانهای وضع کرده بودند که معروف ترین آنها عبارت است از :

(۱ بازوبندی - باندازه تقریبی از 30×20 میلیمتر

(۲ بغلی - « « « 60×40 بیلا

(۳ جاتمازی - « « « 120×70 «

(۴ حاملی - که همان اندازه جاتمازی ولی با قطر بیشتر است که آنرا در زیر لباس رو و بطور حامیل آویزان می کردند

(۵ نیم ربعی - باندازه تقریبی 180×100 میلیمتر

(۶ وزیری کوچک - باندازه تقریبی 220×140 میلیمتر

(۷ وزیری - باندازه تقریبی 240×160 میلیمتر

(۸ وزیری بزرگ « « « 300×200 «

(۹ سلطانی - « « « 400×300 « و این بیشتر باندازه

کتابهایست که در دوره مغول و تیموری برای سلاطین آماده می شد ، و بهمان مناسبت « سلطانی » عنوان یافته است .

(۱۰ رحلی کوچک - باندازه تقریبی 400×250 میلیمتر

(۱۱ رحلی - « « « 500×300 «

(۱۲ رحلی بزرگ - « « « 600×350 « بیلا

بعلاوه در هر یک از قطعه های مذکور ، ممکن است که گاهی کتاب به شکل « بیاض » صحافی و تجلید شده باشد و آن صورتی است که طول و عرض کتاب برخلاف معمول است ،

یعنی کتاب از طرف طول باز می شود و از عرض ته بندی شده است .

یا کتاب بشکل « خشتی » است که طول و عرض کتاب تقریباً بیک اندازه است .
یا « طومار » است که اوراق کتاب را از دو طرف چسبانده باشند و درهم پیچیده و لوله کرده باشند .

یا « مرقع » است که ته صفحات کتاب را بیک دیگر از دو طرف چسبانده باشند و در این صورت ممکن است که تمامی اوراق کتاب را در آن واحد باز کرد ، چنان که همگی ورقها پهلوی یک دیگر قرار گیرند .

معمولاً قطعات خوش خط و تصاویر نقاشی را بصورت مرقع صحافی می کردند .
این بود اصطلاحات قطعهای کتاب در گذشته ؛ ولی امروزه اندازه های که برای هر کتاب معین می شود بحسب سانی متر و گاهی اینچ است ، و ما واحد میلیمتر را اختیار کرده ایم ؛ و برای اینکه میزان مشابهی در تمام کتابها در دست باشد ، یک روی جلد را که بآن « دف » می گویند تا آنجا که به « عیطف » (قطعه چرم یا پارچه ای که به مقوای کتاب وصل است و ته بندی صفحات کتاب در آن جای می گیرد) کتاب میرسد ، از جهت طول و عرض به میلیمتر می سنجمیم و می نویسیم مثلاً 220×130 میلیمتر .

اندازه نوشته کتاب — ممکن است در هر صفحه ، نوشته کتاب در جدولی باشد ، یا نباشد . بهر دو صورت در تعیین آن باید نوشت : « اندازه جدول نوشته » و آن را بمیزان میلیمتر سنجمید و یا فقط طول هر سطر را به اندازه میلیمتر تعیین کرد ، که در این صورت نیز این مقصود حاصل می شود .

سنجمش اندازه نوشته کتاب ، از اندازه اصلی کتاب مهم تر است ، زیرا که قطع کتاب ممکن است در نتیجه مرمت و صحافی نقصان پذیرد ، یا چنانکه فرسودگی حاشیه آن بسیار باشد ، آن را متن و حاشیه کنند و در نتیجه قطع آن اندکی از اندازه اصلی هم بزرگتر شود . بعلاوه برای مراجعه محققین اندازه نوشته کتاب معتبر است ، تا میزان تقریبی کلمات هر سطر نسخه را دریابند .

سابقاً تعداد کلمات را بمیزان «بیت» مشخص می کردند و هر بیت ثنرا بتفاوت از بیست و پنج تا چهل حرف ، معین کرده اند .

شمارهٔ صفحه‌ها — غالب نسخه‌های خطی قدیم ، بالفعل فاقد شمارهٔ صفحه است ، زیرا که بدو آن نظم اوراق کتاب را با کلمهٔ «پا صفحه‌ای» یا «راده» نگاه می داشتند ، باین معنی که اولین کلمهٔ سطر اول صفحهٔ دوم هر ورق و طرف راست را در گوشهٔ چپ پائین صفحهٔ اول کتاب می نوشتند و بامطابقهٔ این دو کلمه ، در هر دو صفحهٔ کتاب ، نظم آن مشخص می گردید . گاهی هم صفحات کتاب را شماره گذاری می کردند ، ولی اغلب این راده‌ها و شماره گذاریها ، در نتیجهٔ مرور زمان و استعمال و فرسودگی کناره‌های کتاب ، و صحافی‌های مکرر از میان رفته است ، بنابراین باید هر نسخهٔ خطی را بدقت نگریست و در صورتی که شمارهٔ صفحه نداشته باشد ، باید شماره گذاری تازه کرد که تعیین تعداد صفحات یک نسخهٔ خطی بسیار مهم است ، زیرا که اگر مثلاً در کتابی چایی ، یک صفحه یا صفحاتی ساقط شود ، چندان اهمیت ندارد ، ولی ممکن است که یک یا چند صفحهٔ معدود از یک نسخهٔ خطی کاسته شود ، که آن صفحات خصوصیات و امتیازاتی داشته باشد ، مثلاً آن صفحات تصویر نقاشی باشد ، که در این حال شاید ارزش کتاب ، بده یک صد یک و هزار یک آن تقلیل یابد .

چون اکثر کتابهای قدیم خطی ، اگر بندرت شماره گذاری شده باشد ، روی ورق است ، نه صفحه ، کتابخانه‌های خطی خارجی هم به پیروی از این روش ، برای شماره گذاری ، ترتیب اوراق را رعایت می کنند و چون برای ارجاع مطلبی محتاج شوند که تعیین پشت و روی ورق را بکنند معمولاً برای هر ورق حروف a و b قایل می شوند ، اما برای آسان کردن این کار بهتر اینست که بهر صفحه شمارهٔ خود آن داده شود ، اگر صرفه جوئی وقت نیز منظور باشد (که شمارهٔ صفحه دو برابر شمارهٔ ورق هر کتاب است) برای تأمین آن چاره‌ای اندیشیده‌ام که شمارهٔ صفحه را یک در میان بگذارند ، یعنی در هر دو صفحه فقط یک شماره گذاشته شود ، که باین ترتیب شمارهٔ هر دو صفحه می شود :

۲ و ۴ و ۶ و ۸ و ۱۰، الخ. و باین قرار هر ورق کتاب حتماً یک شماره خواهد داشت و پیوستگی آن از میان نمی‌رود و ضمناً تعداد شماره گذاری هر کتاب، بنصف کاهش می‌یابد.

مناسب‌ترین محل شماره گذاری روی صفحه، گوشه چپ بالای آنست و باید جای شماره را طوری انتخاب کرد که نزدیک جدول نوشته و نیز نزدیک کنار صفحه نباشد، که بایک مرمت و صحافی شماره نوشته شده از میان برود.

از شماره گذاری باماشین نمره و قلم خود کار در نسخه‌های خطی باید پرهیز کرد، زیرا که سیاهی آن دستگاه و قلم روغنی است و ممکن است موجب آلودگی و تضییع صفحه‌های کتاب شود.

نیز از شماره گذاری با قلم خود نویس باید احتراز کرد، زیرا که ممکن است در حین نمره گذاری از نوک سر قلم قطره کوچکی از مرکب بچکد، که اگر آن قطره بروی صفحه کتاب یا احیاناً روی یک صفحه مصور کتاب نقیسی بیفتد، زیان آن روشن است.

شماره گذاری با مداد سیاه و ساده هم مناسب نیست، که ممکن است پس از اندک زمانی شماره‌ها محو شود، و بهترین وسیله شماره گذاری را در درجه اول قلم فی و مرکب صمغ و بعد مداد کپیه برنگ مشک می‌دانم، که وسیله دوم، برای سرعت عمل بهتر است.

شماره و سطور هر صفحه — معمولاً کتابهای خطی روی کاغذی خط با یک مسطر معین نوشته شده و از ابتدا تا آخر نسخه شماره سطور صفحات کتاب یک سان است.

(پیش از اختراع صنعت چاپ، صفحات کاغذی که برای نوشتن کتاب بکار می‌رفت سفید و بدون خط بود و برای منظم و یک نواخت نگاه داشتن سطور صفحاتی که برای کتاب آماده می‌شد، از آلتی موسوم به «مسطر» استفاده می‌گردید و آن عبارت بود از یک صفحه مقوا که با دو خط عمودی و چندین خط افقی متوازی، درست باندازه‌ای که کاتب برای فواصل سطور کتاب خود، در نظر داشت، خط کشی می‌شد

و روی آن خطوط با ابریشم تابیده دوخته می‌شد و برای اینکه صفحات کاغذ سفید خط کشی شود، کافی بود که هر ورق را بر روی این مسطر انداخته و با فشار کاغذ روی آن اثر فرو رفتگی تار ابریشم از یک روی صفحه و برجستگی آن از روی دیگر، کاغذ ساده بصورت خط کشی درآید.

برای تعیین سطور صفحات کتاب کافی است که صفحه دوم نسخه را سطر شماری کنند، (اینکه صفحه دوم را برای شمارش تعیین کردیم و صفحه اول را ذکر نکردیم، برای اینست که معمولاً در صفحه اول کتاب از نیمه صفحه شروع بکتابت می‌شود) و در فهرست بنویسند که مثلاً: «هر صفحه ۲۱ سطر» ولی برای اطمینان بیشتر بهتر است که جز صفحه دوم یک صفحه از میانه و یک صفحه ماقبل آخر نسخه را نیز بشمارند. باید متذکر بود که شماره سطور صفحات نسخه‌های خطی قدیم، غالباً فرد است و این امر موجبی دارد، اگر کتاب منظوم باشد، بر حسب نسخه‌های مختلف، شماره ابیات، در هر سطر فرق می‌کند و غالباً هر یک بیت یعنی دو مصراع، در یک سطر نوشته می‌شود، ولی بعضی کتابهای منظوم بزرگ مانند شاهنامه‌ها و مثنویها، از قبیل خمسة نظامی و شش دفتر مثنوی مولانا را، در هر سطر دو بیت یعنی چهار مصراع می‌نویسند. گاهی اشعار این منظومه‌ها را سه بیت، یعنی شش مصراع، در هر سطر می‌نویسند، و از این قبیل است، شاهنامه فردوسی معروف بایسنغری، نسخه کتابخانه سلطنتی ایران. بندرت سه مصراع را در یک سطر نوشته‌اند، و از این قبیل، من یک نسخه مثنوی قدیم دارم. در تمام این حالات باید شماره مصراع با بیت هر سطر تعیین شود.

گاهی کتابهای منثور و بیشتر کتابهای منظوم، در متن و هم در حاشیه نوشته شده است. در این صورت باید علاوه بر شمارش ابیات و سطور متن کتاب، تعداد ابیات و مصراعها یا نیم سطرهای حاشیه را نیز تعیین کرد.

در تعیین سطور یک صفحه منظوم باید نوشت، مثلاً: «هر صفحه ۲۳ سطر، هر سطر یک بیت، یا دو بیت، یا سه مصراع، یا سه بیت» و یا «هر صفحه ۲۳ سطر

در متن ، هر سه سطر یکک بیت و ۱۴ بیت ، ۲۸ مصرع در حاشیه « و یا هر صفحه ۲۳ سطر در متن و ۲۸ نیم سطر ، ۱۴ سطر در حاشیه » .

کاغذ - پیش از آنکه صنعت کاغذ سازی از چین بایران برسد ، از سنگ و گل پخته واستخوان و کتان و پوست آهو ودیگر چهار پایان ، برای نوشتن استفاده می شد . در حدود قرن سوّم هجری ، صنعت کاغذ سازی چین از راه سمرقند بایران رسید و بتدریج در شهرهای خراسان ودیگر ایالات ایران نفوذ کرد ، چنان که در قرن هفتم و هشتم هجری در غالب شهرهای بزرگ ایران ، مراکز مهمّ کاغذ سازی تأسیس گردید و در همان اوان این صنعت از ایران به کشورهای مجاور متمدن آن زمان مانند هندوستان وحکومت های آسیای صغیر ، و از آنجا به مصر و ونیز و دیگر شهرهای اروپا ، منتقل گردید .

کثرت تألیفات ونشر کتب وتوجه بظرافت وشوئی نسخه های خطی در دوره تیموریان ، موجب گردید که بصنعت کاغذ سازی اعتنای مخصوص بشود ، وباینکه در بسیاری از شهرهای ایران کاغذهای مختلف وفراوان ساخته می شد ، محصول کاغذ کفاف کتابت کتابهایی که نوشته می شد ، نمی داد و بنابراین از سایر شهرهای ترکستان وهندوستان وآسیای صغیر ، بمقدار زیاد کاغذ بایران وارد می شد وحتی مقداری هم از ونیز بایران می رسید^۱ .

غالب نسخه های خطی ایرانی که امروزه در دست است ، متعلق بزمانی است که زقرن ششم هجری شروع گردیده لذا آشنائی بکاغذهای مختلف که از آن زمان متداول شده ست وهریک عنوان یا نسبتي خاص دارد ، خالی از فایده نیست وباینکه شناسائی این کاغذها جز با دیدن هریک وممارست در شناختن آنها ممکن نیست ، اهمّ آنها را برای اصطلاح ذکر می کنیم وآنها عبارتند از :

(۱) برای اطلاع از ساخت کاغذ در دوره تمدن اسلامی رجوع شود به بجله یادگار

خانبالغ - ختائی - سمرقندی - بخارائی - اصفهانی - دولت آبادی - بغدادی - کشمیری - ونیزی - مصری - ترکی - ترمه - عادل شاهی - فستقی - فرنگی جدید . رنگ غالب کاغذهای قدیم ، سفید یا نزدیک به سفیدی بوده است ، ولی گاهی برای تفتن همان کاغذها را رنگ می کرده و یا احیاناً رنگین می ساخته اند ، که در مورد معرفت کاغذ باید رنگ و کیفیت آنها را ذکر کرد .

گاهی کاغذ یک کتاب رنگهای مختلف دارد . در این صورت ، بذکر نوع کاغذ و اضافه لفظ : « الوان » یا « رنگارنگ » اکتفا می شود و لازم نیست که تمام الوان آن ذکر شود .

گاهی حواشی نسخه های خطی بمرو زمان فرسوده و سائیده و در نتیجه صحافی مکرر ، مقداری از اطراف صفحه ها قطع شده است ، و گاهی این بریدگی باندازه ای رسیده است که در آخرین صحافی ناگزیر با افزودن و الحاق حاشیه جدید شده و یا از روی تفتن ، حاشیه ای داده اند . بنابراین نوع کاغذ حاشیه ، با کاغذ متن اختلاف پیدا کرده است . چنان که به چنین کتابی برخورد کنیم باید هم قید اصطلاح : « متن و حاشیه شده » را کرد و هم نوع کاغذ متن و حاشیه را جداگانه کرد .

گاهی برای سهولت کتابت و روانی قلم روی کاغذ ، کاغذها را آهار و مهره می کردند (یعنی بالعاب نشاسته ، روی کاغذ را با بلور یاسنگ صاف ، صیقلی می کردند) در توصیف چنین کاغذی باید قید : « آهار و مهر شده » را کرد .

با اینکه گفتیم در طی ده قرن اخیر ، نوعاً کتابها روی کاغذهای مختلف نوشته می شد ، باید دانست که گاهی بطور تفتن روی چوب که بنازکی کاغذ ورقه شده یا پارچه نخ ، مانند چلواریا پارچه حریر و امثال آن ، کتاب یا صفحاتی نوشته شده است ، که باید در توصیف چنین نسخه قید این مطلب بشود .

نوع خط -- آشنائی به خطوط مختلفی که در طی سیزده قرن در ایران متداول و مورد استفاده و کتابت بوده ، بجای است که کامل آن را در ضمن مطالعه « تاریخ تکامل

خطوط اسلامی» در دانشکده^۱ ادبیات و کلیّاتی از آن موضوع را در کتاب «ایران‌شهر» آورده‌ام و اینک بطور خلاصه متذکّر می‌شوم که هنگام ظهور اسلام و اندکی پیش از آن، تا مدت سه قرن، خطّ رایج بین ملل اسلامی، «کوفی» و نوعی «نسخ» بود که خطّ کوفی را برای کتابت قرآن و کتیبه‌ها و خطّ نسخ را برای نوشتن سایر مطالب بکار می‌بردند.

در قرن چهارم هجری، از دو خطّ مزبور، بتدریج شش خطّ بوجود آمد که به «اقلام سیّئه» معروف گردید و آنها عبارت است: ثلث - محقّق - ریحان - نسخ (جدید) - توقیع - رقاع^۱، که هریک برای کتابت مخصوص بکار می‌رفت.

تا حدود اواخر قرن هفتم هجری، مهمّ ترین خطوط متداول ایران، همان اقسام شش‌گانه^۲ مزبور بود، ولی چون هیچ یک از این خطوط برای کتابت تحریر و تندنویسی مناسب نبود، از مزج خطّ رقاع و توقیع، خطّ سوّمی وضع شد که به «تعلیق» موسوم گردید که برای نوشتن کتابهای فارسی بکار رفت و در حدود یک قرن بعد، همان خطّ، بصورت شکسته، برای کتابت مکاتیب و فرامین اختصاص داده شد و به «شکسته تعلیق» معروف گردید.

در حدود نیمه^۳ دوم قرن هشتم از همان خطّ تعلیق باترکیب خطّ نسخ، خطّ «نستعلیق» بوجود آمد که معروفترین [خطوط] ایرانی و زیباترین خطوط اسلامی است و پس از وضع این خطّ، تقریباً عموم کتابهای فارسی به آن خطّ نوشته شد و تا مدت سه قرن، برای کتابت مطالب غیر کتاب، خطّ شکسته تعلیق بکار رفت، ولی در حدود نیمه^۴ اوّل قرن یازدهم که دشواری نوشتن و خواندن خطّ شکسته تعلیق بیشتر محسوس شد، همان خطّ نستعلیق را بصورت شکسته بجای خطّ شکسته تعلیق، برای تندنویسی و نوشتن مکاتیب و مانند آن بکار بردند.

در طیّ مدّت سیزده قرن تنوّع خطوطی که ذکر شد رو بافزایش گذاشت و شماره^۵

۱ - نمونه خطوط مزبور در کتاب ایران‌شهر ص ۷۶۷ ج ۱ یکجا چاپ شده است.

خطوط تفننی از سی تجاوز کرد. این تنوع و تفنن در ممالک هندوستان و عثمانی بیشتر شد، که بعنوانهای مختلف، مانند: گلزار، زلف عروس، لرزه، طغرائی معمول بود ولی چون غالباً اصول وقواعد استواری نداشت بتدریج از میان رفت.

بطور کلی باید دانست که از اقلام متداول که در جای خود استوار ماند و بآن خطوط کتابها و مکاتیب و غیره نوشته شد، دوازده قلم ذیل بامتفرعات آنهاست:

کوفی - نسخ قدیم - ریحان - ثلث - نسخ جدید - رقاع - تعلیق - شکسته تعلیق - نستعلیق - شکسته نستعلیق و اگر خطوط دیگری مانند طغرائی و گلزار و کوفی تزئینی، بکار رفته باشد، بطور تفنن است و با آشنائی آن دوازده قلم، می توان همگی خطوط متن کتابهای خطی فارسی را بیک از آن دوازده قلم نسبت داد.

بیشتر خطوط مذکور، نه فقط در ایران، بلکه در تمام ممالک اسلامی رایج و مورد استفاده بوده است ولی در شیوه هر یک اندک اختلافی محسوس است، که با آشنائی بآنها، می توان حدس زد که نسخه در کدام یک از ممالک خارج از ایران کتابت شده است.

از میان خطوط مذکور، ثلث و نسخ و نستعلیق، با اختلاف بیشتر شیوه، در کشورهای مختلف، متداول بوده است و شیوه های متمایز: ایرانی، هندی، ترکی، مصری، و توراتی را می توان تشخیص داد.

خط ثلث و نسخی که در ممالک مغرب (تونس و الجزایر و مراکش) متداول بوده و هست، با ثلث و نسخ سایر ممالک تفاوت بسیار دارد و در آن نواحی این خط را هنوز بشیوه ای می نویسند که در حدود یک هزار سال پیش، در ممالک ایران و اطراف آن، بآن می نوشتند، چنانکه هم اکنون، اگر مثلاً نسخه ای را که دو قرن قبل در کشورهای مزبور کتابت شده باشد، بدست بدهند، در بادی نظر، چنین وانمود می شود، که متعلق بقرن هفتم و هشتم هجری باشد. این نکته باید در تشخیص نسخه های خطی که بدون تاریخ کتابت است، در نظر باشد.

نام بعضی خطوطی که نام بردیم، در کشورهای دیگر، عنوان دیگر دارد، مثلاً

نستعلیق ایرانی را ترکها و عربها و به تبعیت آنها بعضی اروپائیان ، « تعلیق » می گویند ، و آنکه ایرانیان « شکسته تعلیق » می گویند ، ترکها « دیوانی » و بعضی ممالک دیگر « ترسل » می خوانند .

در تشخیص نوع خط ، باید اندازه جلی و خفّی آنرا تعیین کرد و برای میزان درشتی و ریزی هر خط اصطلاحاتی است که به ترتیب از بالا بهائین ، باینقرار است : شش دانگ - پنج دانگ - چهار دانگ - سه دانگ - دو دانگ - نیم دو دانگ - کتابت جلی - کتابت - کتابت خفی - غبار .

در تعیین خط هر کتاب ، علاوه بر درجه و نوع خط متن ، باید نوع و درجه خط عنوانها و سرفصلها و سایر زوایا کتاب تعیین شود .

هم چنین کیفیت هر خط از حیث نیک و بدی باید مشخص گردد و درجاتی را که من در تشخیص حسن خط بکار می برم ، باینقرار است : ممتاز ، عالی ، خوش ، متوسط ، بد .

بنا به توضیحات مذکور در باره خط هر نسخه ، باید آنرا چنین توصیف کرد ، مثلاً :

« خط متن نستعلیق کتابت خوش - عنوانها بعضی بخط کوفی تزیینی نیم دو دانگ عالی و بعضی براق دو دانگ متوسط - حواشی بقلم شکسته نستعلیق غبار ممتاز » .

تزیینات نسخه - یک نسخه خطی بوسائل ذیل تزیین می شود :

تذهیب - ترصیع - تشعیر - تحریر - حل کاری - افشان - مرکب الوان - عکاسی - قطّاعی .

و اینک توضیح هر یک :

تذهیب - نقوش منظم هندسی و جز آن است که با خطوط مشکی و آب طلای فقط ، تزیین شده است و رنگ دیگری در آن بکار نرفته و یا کم بکار رفته است .

ممکن است آب طلائی که در یک تذهیب بکار رفته است ، از یک رنگ بیشتر

باشد ، یعنی بر حسب اینکه زر خالص باشد یا بامقادیر مختلف نقره و مس آمیخته شده باشد ، رنگ آن ، زرد و سبز و سرخ های متنوع می شود .

ممکن است آب طلای بکار برده شده ، ساده یا صیقلی و شفاف باشد ، در این صورت بآن زر ، اطلاق اصطلاح : «خام و پخته» می شود .

ترصیع — اگر در نقوش مذکور در تذهیب ، جز آب زر ، محلول شنگرف و لاجورد و سفیداب و زنگار و زعفران و سیاو و غیره ، بکار رفته و نقش و نگار ، رنگ برنگ شده باشد آن را مرصع گویند .

معمولاً هر نقش مرصع ، مذهب نیز هست ، ولی عکس آن لازم نیست .
تشعیر — نوعی تذهیب ساده است که نقوش درهم و ریزه و بظاهر نامنظمی دارد ، ولی با دقت نقوش مرتب آن معلوم می شود .

تشعیر سازی معمولاً با آب طلا می شود ، ولی گاهی بالوان دیگر هم تشعیر سازی شده است .

تحریر — گاهی اطراف نقوش و یا کلمات و عباراتی را که بآب زر یا الوان دیگر مانند سفیداب اندوخته و نوشته اند ، برای اینکه بهتر نموده و خوانده شود ، با قلم بسیار باریک بامرکب مشکی ، محصور می کنند . این عمل را «تحریر» و نقوش کلمات محدود شده را «محرر» می گویند .

حلّ کاری — عبارتست از طلاکاری یک پارچه ، بدون خطوط تحریر ، از تصویر جانوران و بیشتر شاخ و برگ و گل و بوته و پرندگان و حیوانات افسانه ای مانند اژدها و سیمرغ ، که حواشی کتابهای تزیینی و بیشتر در حواشی مرقعات و صفحات بدرقه (صفحات سفید ابتدا و انتهای کتاب) با آن تزیین می شود .

افشان گری — در بعضی نسخه ها تمام مطالب کتاب روی متن زرفشان ، نوشته می شود و گاهی برخلاف حاشیه افشان و متن صفحه ها ساده است . و گاهی متن و حاشیه هر دو افشان است .

افشان که ممکن است با زر یا الوان دیگر باشد، دو قسم است: گاهی مانند خرده^۱ طلای محلول یا الوان دیگر است و گاهی بسیار ریزه که در صورت دوّم، آنرا «افشان غبار» می‌گویند. گاهی در متن و حاشیه^۲ کتابها و بیشتر مرقعها افشان درشتی دیده می‌شود که سیاه رنگ است، این افشان اصلاً از نقره است که در مجاورت هوا و بمرور زمان سیاه شده است.

مرکّب الوان — بعضی نسخه‌ها بجای مرکّب سیاه متداول شده، تفتّن^۳ با مرکّب الوان یا زر نوشته شده است و گاهی کلمات آن محرّر نیز هست.

عکّاسی — بیش از اختراع عکّاسی جدید، آنچه در قدیم بآن عکّاسی اطلاق می‌شد و حواشی بعضی کتابها و مخصوصاً مرقعات را بآن تزین می‌کردند، عبارت بود از اینکه الگوهای از مقوّا با دقت از نقوش مختلف می‌بریدند و آنرا روی صفحه^۴ منظور می‌انداختند و با الوانی که انتخاب کرده بودند، روی الگو را رنگ می‌کردند. در نتیجه در مواضعی از مقوّا که بریده شده بود، اثر رنگ می‌ماند و بقیّه سفید، و نقوشی یک نواخت در صفحات مختلف حاصل می‌شد که بیشتر آن نقوش، با زر تحریر می‌گردید. **قطّاعی** — آنست که نقوش یا کلمات و عباراتی را با مقراض و قلم تراش از کاغذ می‌چینند و قطعات بریده شده را اگر از کاغذ سفید باشد، روی کاغذ رنگین و اگر رنگین باشد، روی کاغذ سفید می‌چسبانند. نیز صفحه‌ای را که از آن قطّاعی بریده شده است، روی کاغذ برنگ مخالف می‌اندازند.

از هنرهای که ذکر شد، هنرمند تذهیب و ترصیع و تشعیر را «مذهب» و تحریر را «محرّر» و حلّ کاری را «حلّ کار» و افشان گری را «افشان گر» و عکّاسی را «عکّاس» و قطّاعی را «قاطع» می‌گویند.

تزئینات مختلف که شرح آنها گذشت، بصور و اشکال ذیل نموده می‌شود:

جدول — عبارت از خطّ یا خطوطی است که نوشته^۵ صفحات کتاب را محصور می‌کند. جدول تزینی کتاب، معمولاً از یک خط تجاوز می‌کند و غالباً خطوط جدول

به الوان مختلف است .

جدولها از یک یا دوسه خط "نسبة" عریض تر و چند خط "باریکتر دیگر، تشکیل می شود .

ساده ترین جدول ، بیشتر ، یک خط "عریض از آب طلاست که دو طرف آن با دوخط نازک ، برنگ مشک ، بافاصله کم ، کشیده شده است .

جدول ، ممکن است از یکی تجاوز کند و دو یا سه جدول دریک صفحه رسم شده باشد . در این صورت خط "جدولهای دیگر غالباً با لاجورد و شنگرف وسیلو ، با خط "باریک زر یا مشک خواهد بود .

کمند — بسیاری از کتابها که با جدول تزیینی ترسیم شده است ، جدول دیگری بافاصله از جدول اصلی دارد ، که محیط بر آن خواهد بود ، چنانکه میان این جدول و جدول اصلی یک فاصله "بیاض حاصل می شود ، و اگر جز در متن صفحه ، در حاشیه هم نوشته ای باشد ، در همین سفیدی است .

این جدول دوم را ، که غالباً فقط یک خط "باریک و گاهی دوخط "باریک است که در میان آن دوخط "باب زر پر شده است «کمند» می گویند . معمولاً صفحاتی که جدول و کمند هر دو را دارد ، کمند آن در سه طرف صفحه ، و طرفی از صفحه که محدود بعطف کتاب می شود ، عاری از خط است .

در بعضی نسخه ها که تفنّن بیشتری در تزیین آنها شده ممکن است ، علاوه بر کمند و جدول معمول ، کمند دیگری نیز رسم شده باشد ، در این صورت کمند اول ، با اینکه ساده و باریک تر از جدول است ، از یک خط بیشتر دارد و کمند دوم که محیط بر کمند اول است ، بیک خط رسم می شود . (البته مقصود ما از استعمال لفظ «خط» در اینجا خط هندسی بدون بُعد عرضی نیست) .

برای توصیف تزیین نسخه ای که جدول و کمند دارد ، باید در فهرست نوشت ،

مثلاً :

«صفحات دارای جدول زرّین (یا زرّین والوان) «ویا» صفحات دارای جدول و کمند زرّین (یاالوان) «ویا» صفحات دارای دو جدول و یک کمند (مثلاً) یکی زرّین و دیگری لاجوردی «ویا» دارای یک جدول و دو کمند» .

سرلوح — بسیاری از نسخه‌های خطّی ، صفحه آنها مزین به نقوش دقیق هندسی یا گل و برگهای هنری زیباست که بزر تنها یا زر والوان متعدّد رسم شده است. این نقش‌ها اگر یکی باشد «سرلوح ساده» و اگر دو تا باشد «سرلوح مزدوج» است و گاهی علاوه بر سرلوح اصلی در ذیل آن ، ولی متصل بآن ، یک کتیبه مزین نیز افزوده شده است که در متن آن کتیبه ، «بسمله» (اصطلاح اختصاری عبارت: «بسم الله الرحمن الرحیم») یا عنوان کتاب نوشته شده است .

در توصیف سرلوحهای نسخه باید نوشت ، مثلاً :

«دارای یک سرلوح مذهب (یا زرّین) و اگر همان طلای بکار رفته از یک رنگ بیشتر باشد باید قید کرد ، مثلاً : «دارای یک سرلوح مذهب بطلای سبز و زرد و سرخ : و یا اگر طلای آن یک رنگ باشد ولی ساده نباشد ، «مذهب بطلای خام و پخته» .

ویا «دارای یک سرلوح مزدوج مذهب مرصّع» و یا «دارای یک سرلوح و یک کتیبه مذهب مرصّع که دو کتیبه آن روی متن زر ساده عنوان کتاب بخطّ رقاع نوشته شده است» .

سرفصل — که بآن «سرخن» نیز گویند . تزیناتی است که در اطراف عنوانها و در کتابهای نظم و نثر می‌شود و غالباً به تشعیر سازی و تذهیب و گاهی ترصیع است . در توصیف سرفصلها باید نوشت مثلاً :

«سرخن» (یا سرفصلها) تشعیر سازی ، یا مذهب ، یا مذهب مرصّع و عنوانها بقلم زر یا الوان در متن طلا اندازی یا تشعیر سازی بخطّ رقاع نوشته شده است .

ذکر شماره سرفصلها مخصوصاً اگر متعدّد و ساده باشد ، ضرور نیست ، ولی بهتر

اینست که شمارش شود مخصوصاً اگر تزینات آنها بزرگ و مفصل باشد.

تصاویر — بسیاری از کتابهای تفننی، از دیوانها و تاریخها و غیره دارای مجالس نقاشی و مینیاتورهاست، بادقت باید آنها را معاینه و شمارش کرد.

بعضی کتابهای ریاضی، اشکال هندسی و نجومی و غیره دارد. باید ذکر رنگ مرکب اشکال که غالباً جز رنگ مرکب متن کتاب و بیشتر سرخ یا بزر است، بشود. غالب کتابهای جغرافیا، دارای نقشه‌هایی است، باید ذکر کرد که نقشه‌ها بمرکب متن یا رنگ دیگر و ساده یا رنگین است.

کتابهایی که موضوع آنها طبیعی یا داروشناسی یا پزشکی یا نجوم یا هیأت است، بیشتر توأم با تصاویر است، باید ذکر کرد که ساده یا رنگین است. در تمام جهات مذکور عدهٔ مجالس تصویر و سرلوحها و سرفصلها و تصاویر و نقشه‌ها را باید معین کرد و فقط شمارش اشکال هندسی و امثال آن در حال عادی لزوم ندارد.

در تعیین این قبیل تزینات باید نوشت، مثلاً:

«دارای چهار سرلوح و بیست سرفصل و شش مجلس تصویر مینیاتور» و یا «دارای هشتاد شکل جانوران یا گیاهها یا نقشهٔ جغرافیائی».

شمسه — پس از صفحات بدرقهٔ ابتدای کتاب، معمولاً در صفحهٔ دست‌چپ کتاب که شروع می‌شود مزین به شمشه و آن عبارت است از نقشی بشکل دایره و مذهب مرصع که شعاعهایی از اطراف آن خارج شده و آنرا بشکل خورشید نمایش می‌دهد. در میان این شمشه غالباً عنوان تملک کتاب نوشته شده است، مثلاً بخط رقا «بقلم سفیداب محرر در میان بوته اندازی نوشته می‌شود: «برسم خزانه‌الکتاب امیر...» عباراتی که در میان شمشه‌ها نوشته شده غالباً با مرکب رنگین یا زر یا سفیداب و بخطی جز خط متن کتاب و بیشتر محرر است. در توصیف این قبیل نسخه باید تمام نکات را دقت کرد، چنانکه گذشت.

ترنج - بعضی نسخه‌ها در پشت صفحه اول یک نقش ترنج مزین دارد که در میان و اطراف آن مطالبی نوشته شده است. این مطالب غالباً عنوان کتاب در میان و فهرست خلاصه مطالب کتاب در حواشی ترنج است.

معمولاً نقش ترنجها مزین به ترصیع و گاهی تذهیب است و عباراتی که در آنها نوشته شده بقلم زر یا سفیداب است.

در توصیف چنین تزین، مثلاً اگر در یک نسخه «نسخه نظامی باشد، باید نوشت: «پشت صفحه اول یک ترنج مذهب مرصع که در وسط آن بقلم رقا، سفیداب محرر نوشته شده است: «نسخه حکیم . . . نظامی . . . : و در اطراف آن در شش دایره منقش عنوان مثنویهای شش گانه «نسخه، بهمان قلم نوشته شده است».

اگر نسخه مجموعه دیوانها یا رسالات یا کتابها باشد، عنوان «مجموعه» در میان و نام دیوانها یا رساله‌ها و کتابها در دایره‌های مزین متعدد، در اطراف نوشته شده است، که مانند نسخه مذکور، توصیف می‌شود.

سرتورنج - دو ترنج کوچک است که در بالا و پائین ترنج و متصل بآن بطور افقی رسم شده است.

نیم تورنج - دو ترنج نیمه است که بالا و پائین صفحه‌ای که ترنج و سرتورنج در آنست، مجزای از آنها نقش شده است.

نسخه ممکن است فقط ترنج، یا ترنج و سرتورنج، یا ترنج و نیم ترنج و سرتورنج، یا هر سه را داشته باشد.

لچکی - که بآن «گوشه» یا «کنج» هم می‌گویند، یک ربع یک ترنج کامل است، که گاهی در چهار گوشه صفحه‌ای که در میان آن ترنج و سرتورنج و نیم ترنج نقش شده است، نقش می‌گردد، و گاهی در حاشیه کتابهای منظوم و مثنوی که در حاشیه نیز کتابت شده باشد هر صفحه یک یا سه لچکی مزین دارد.

(باید دانست که نقوش مذکور، در غالب ترینات کتاب، از تذهیب و ترصیع

و تجلید ، بکاری رود و این همان نقش ملّی ایرانیان است که در تزیینات مختلف مانند قالیا و قالیچه‌ها و دیگر بافتنی‌ها و لوحه‌های کاشی کاری و حجّاری و گچ‌بری و منبت کاری و مانند آن ، بکاری‌برند) .

تزیین فهرست نسخه - بعضی کتابها که به فصول و ابواب تقسیم شده است ، فهرست مطالب آنرا پیش از شروع مطلب ، تفنّناً بقلم الوان یا زر و در جدول بندی مزین می‌نویسند . در این صورت باید محلّ فهرست را در درج کتاب ، با کیفیت جدول بندی و نوع خطّ (که گاهی جز خطّ متن کتاب است) و رنگ یا رنگهای مرکّب و متن کاغذ که گاهی طلای یک پاره و گاهی زرفشان غبار است ، ذکر کرد .

سایر تزیینات - گاهی تمام کلمات سطور دو صفحه اول کتاب ، یا تمام صفحات با آب طلا محصور شده که ممکن است محرّری باشد یا نباشد . در این صورت باید قید کرد مثلاً « دو صفحه اول ، یا تمام صفحات ، بین السطور طلا اندازی شده » . گاهی در میان همان طلا ، نقوش الوان نیز هست . اگر این طور باشد ، باید نوشت مثلاً : « بین سطور طلا اندازی منقّش » .

گاهی تمام دو صفحه اول مذهب یا مذهب مرصّع است و فقط چند سطر در میان هر صفحه نوشته دارد در این صورت باید نوشت ، مثلاً : « دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب ، یا مذهب مرصّع ، و در میان هر صفحه شش سطر از متن اول کتاب نوشته شده است . »

گاهی علاوه ، بر دو صفحه اول ، تمام صفحات نسخه متن و حاشیه مزین شده است . باید نوشت : « دو صفحه اول ، یا تمام صفحات متن و حاشیه شده ، حواشی مذهب مرصّع ، یا مذهب منقّش ، یا مذهب ، یا تشعیر سازی یا حلّ کاری گاهی در میان حاشیه هر صفحه ، یا در میان و ابتدا و انتهای حاشیه ، یک یا سه نقش مثلث شکل دارد باید نوشت . مثلاً : « هر صفحه دارای یک یا لچکی مذهب ، یا مذهب مرصّع ، یا مذهب منقّش ، یا تشعیر سازی ، یا حلّ کاری » .

این لچکی‌ها گاهی در متن صفحات بعضی نسخه‌ها، مخصوصاً در کتابهای شعر نیز رسم شده است.

غالب کتابهایی که دو صفحه اول آن مزین شده است، دو صفحه آخر و بندرت دو صفحه میانه آن نیز مانند دو صفحه اول عیناً تزین شده است. در این صورت باید نوشت: « دو صفحه اول و دو صفحه میانه و دو صفحه آخر نسخه، مذهب یا مذهب مرصع و غیره است ».

سبکهای تذهیب و تصویر - در تذهیب و نقاشی هر نسخه باید روش و مکتب هریک و دوره آن را یاد کرد و مهم ترین دوره‌های متمایز تذهیب و نقاشی ایرانی عبارتست از:

دوره صدر اسلام - سلجوق - مغول - تیموری - صفوی - افشاروزند - قاجار و مهم ترین مکتب‌های هنری ایرانی :

مکتب شیراز - اصفهان - تبریز - خراسان (که به مکتب هرات معروف شده است) - بخارا - بغداد

بعضی نسخه‌های خطی فارسی که در ممالک دیگر کتابت و تزین شده است، باید متذکر آن بود و تزینات غیر ایرانی متمایز عبارتست از سبکهای :

هندی - چینی - ترکی - ترکستانی - عربی - مصری - ونیزی - مغربی - و در توصیف چنین نسخه‌هایی باید نوشت، مثلاً: « تذهیب ها کشمیری » و « پنج مجلس مینیاتور ترکی ». نقاشی‌های متعدد نسخه‌های خطی ایرانی، مخصوصاً از دوره تیموری به بعد، یا از استادان معروف است که هریک شیوه و روش خاص داشته‌اند و غالباً صفحه مصور را رقم می‌کرده‌اند (و نام آنها را بادقت در گوشه‌ای از صفحه نقاشی می‌توان یافت) یا از نقاشان درجه دوم است که هریک شاگرد یا پی‌رو سبک یکی از استادان معروفند. در این صورتها باید ذکر نقاشی هر صفحه یا سبک نقاشی آنرا کرد.

اینک چند تن از نقّاشان معروف درجهٔ اوّل و دوّم که ممکن است گاه بگاه بنام آنها در صفحات مصوّر و مذهب بر خورد کرد، نام برده می شود:

از استادان هنرمند دورهٔ اوّل تیموری، از مصوّران: احمد موسی نقّاش سلطان ابوسعید - امیر دولت یار، شاگرد او که در سیاه قلم دست داشت - ولیّ الله معاصر دولت یار - شمس الدّین نقّاش سلطان اویس - عبدالحی شاگرد شمس الدّین که امیر تیمور او را بسمرقند برد - جنید بغدادی شاگرد شمس الدّین - پیر احمد باغ شمالی شاگرد عبدالحی - شیخی بیگ نقّاش: ^۱

از هنرمندان دورهٔ دوّم تیموری و دورهٔ آق قویونلو، از مصوّران: امیر خلیل - خواجه غیاث الدّین - عالی بیگ - سیّدی احمد - خواجه علی - عبدالله مصوّر - میرک هروی نقّاش (امیر روح الله):

و از مذهببان این دوره: علی مذهب - شهاب الدّین - خواجه عطای جدول کش - شمس مذهب - پیر احمد زرکوب - یاری مذهب - حافظ متلا مسیح الله.

از مصوّران و مذهببان دستگاه ازبکان (عبیدالله خان و عزیزالله خان^۲ شیانی): محمود مذهب مصوّر خوشنویس - عبدالله مذهب مصوّر.

از هنرمندان زمان سلطان حسین میرزا بایقرا و دورهٔ اوّل صفوی تا دورهٔ شاه طهماسب، از مصوّران: کمال الدّین بهزاد - نظام الدّین سلطان محمد - جلال الدّین میرک حسینی اصفهانی - میر مصوّر - محمد قدیمی شبیه کش - کمال الدّین حسین - عبدالغفار - استاد حسنعلی - بهرام قلی - شاه محمد اصفهانی - مقصود و عبدالعزیز شاگرد بهزاد -

۱- در «اطلس خط» ص ۵۰۵ تا ۵۰۸ شرح اجمالی راجع به برخی از این هنرمندان

هست . م .

۲- در «طبقات سلاطین اسلام» از خاندان شیانیان چنین نامی دیده نشد احتمالاً عبدالعزیز مراد بوده که بسابقه نوشتن نام عبیدالله خان در ذهن مرحوم مؤلف خلط و اشتباهی حاصل شده است . م .

حسن - ميرك مزبور - استاد حيدر علي خواهرزاده بهزاد - مظفر علي برادرزاده بهزاد - خليفه محمد حيات - مير سيد علي پسر مير مصور - عبدالرزاق خواجه عبدالوهاب و پسرش عبدالعزيز - حاجي محمد - قاسم علي چهره گشاي .

و از مذهببان : محمد مذهب - ميرك مذهب - قوام الدين مسعود پسر ميرك - خواجه كاكا (عبدالوهاب شيرازي - محمد امين خطاط - مير مصور مزبور - عبدالله شيرازي .

از هنرمندان دوره دوم صفوي زمان شاه عباس بزرگ ، از مصوران : استاد محمد مصور - آغارضا - صادقي بيك - رضاي عباسي - عبدالله بخارائي - ميرزا محمد حسين مصور - محمد قاسم تبريزي - علي قلي بيك - كاظم قلي . و از مذهببان : زينل مذهب .

از هنرمندان دوره اخير صفوي : معين مصور - محمد علي مصور - ولي جان - عبدالحميد شيرازي مذهب محرر از هنرمندان دوره افشاروزند : محمد زمان - محمد هادي مذهب - عل اشرف .

و از هنرمندان دوره قاجار كه بعضي از جلدسازان معروفند [و در چند صفحه بعد نام آنان ذكر شده است .]

تاريخ تحرير - اگر تاريخ تحرير نسخه اي مصرح باشد ، در اين موضع به نقل سال است كتاب اكتفا مي شود ، يعني مثلاً اگر در پايان نسخه ذكر روز و ماه و سال شده باشد ، فقط نوشته مي شود : « تاريخ تحرير سال ۷۵۲ و نقل بقيه تاريخ درجاي ديگر مي شود كه ذكر آن خواهد شد . ممكن است كه تاريخ تحرير كتابي در آخر نسخه نوشته نشده باشد ، بصر ف يك مراجعه سطحی بآخر كتاب نبايد قناعت كرد ، زيرا كه مخصوصاً اگر نسخه مجموعه از رسايل و كتابها ، يا موضوع آن به قسمتي باشد كه

مطالب مجزی و متمایز داشته باشد، محتمل است که تاریخ تحریر در پایان یکی از رسالات و کتابها و یا جزو مستقّلی از کتاب نوشته شده که در میان نسخه باشد.

مثلاً اگر یک نسخه خطّی خمسۀ نظامی بدست داشته باشیم که در آخرین سطور آخرین صفحه کتاب، تاریخ تحریر نداشته یا محو شده باشد، یا ورق آخر ساقط باشد باید به یک یک مثنویهای دیگر نیز مراجعه کرد و دید که اگر در چند مثنوی دیگر همگی تاریخ تحریر دارد، میتوان مطمئن شد که مثنوی آخرین تاریخ تحریر داشته و بموجبی از میان رفته است، و اگر تمامی دفترها تاریخ نداشت، یا بعضی داشت میتوان احتمال داد که کاتب در نقل تاریخ در تمام مثنویها مساعد کرده، بعضی را ذکر کرده و بعضی را نکرده است.

در این قبیل نسخهها که تاریخ است کتاب متعدد است، اگر تمام سالها واحد باشد، بذکر یکی اکتفا میشود، و اگر مختلف باشد ذکر همه سالها لازم است.

اگر کتابت نسخه ای از تاریخی آغاز شده یک یا چند سال بعد پایان یافته باشد. باید تاریخ آغاز و انجام آنرا ذکر کرد.

ممکن است نسخه مجموعه ای باشد که چند رساله و کتاب را که در موضوع واحد یا مختلف است، کسی جمع و بسلیقه خود آنرا تجلید کرده باشد. در این صورت باید همه تاریخهای کتابتی که در مجموعه هست با قید خطوط و کاتبهای متعدد، نقل شود.

گاهی در دنباله یک کتاب، فصلی یا رساله کوچکی یا مقاله ای یا صفحه ای، بدون ذکر تاریخ یا با تاریخ تحریر جدیدتر از کتابت اصل کتاب نوشته شده است، باید مراقب بود که تاریخ قسمت الحاقی یا اضافی، با تاریخ کتاب اصل، خلط نشود و بادقت صفحه های کتاب را از آخر بطرف ابتدای کتاب باید ورق زد، تا پایان نسخه اصل برسد. با این کیفیت ملاحظه می شود که غالباً بتاریخ تحریر اصل نسخه می رسم.

گاهی تاریخ تحریر نسخه بصراحت ذکر نشده است. مثلاً کاتب تاریخ تحریر را

در قطعه شعری بطریق جمّل^۱ ذکر کرده است باید آنرا استخراج و نقل کرد .
اگر با جستجوی کافی تاریخ تحریری در تمام نسخه یافت نشد ، باید بحدس و
قرینه تاریخ تقریبی کتابت نسخه را دریافت و در چنین مورد باید مثلاً یادداشت کرد
« بدون تاریخ تحریر ظاهر آقرن ششم » اما قرائنی که برای تعیین تاریخ تقریبی تحریر
استفاده می شود بدینقرار است :

تاریخ تألیف کتاب البتّه مقدّم بر تاریخ کتابت یا مقارن آنست و باید متوجّه بود
که تاریخ تقریبی و حدسی کتابت از تاریخ تألیف مقدّم تعیین نشود .
ممکن است در صفحات بدرقه کتاب یادداشت‌هایی که صاحبان متعدّد نسخه نوشته‌اند
متضمن تاریخ‌ها و رقم‌هایی باشد . اگر در این قبیل یادداشت‌ها ذکر نام اشخاص شده
و تاریخ نداشته باشد بر حسب اینکه آن اشخاص معروف باشند یا تاریخ زندگی ایشان
معلوم است و تاریخ کتابت نسخه در حدود زندگی آنها یا مقدّم بر آن خواهد بود و البتّه
اگر آن اسامی متعدّد باشد قدیمترین آنها بتاریخ کتابت نزدیکتر خواهد بود .
همین استفاده را می توان از سجع مهرهای اشخاصی که در اوّل و آخر و وسط کتاب
زده‌اند نمود .

قرینه دیگر اینکه اگر کتابت نسخه معلوم باشد و تاریخ کتابت نداشته باشد ،

۱- حروف جمل یعنی حروف کلمات : ابجد ، هوز ، حطی ، کلمن ، سعفس ، قرشت ،
ثخذ ، ضطخ که مشتمل بر ۲۸ حرف الفبای عربی است و برای هر یک از آنها معادل عددی
فرض شده است به این معنی که حروف سه کلمه اول بترتیب از یک تا ده ، حساب می شود
و حروف سه کلمه دوم بترتیب از بیست تا نود و حروف سه کلمه سوم بترتیب از صد تا هزار
که سه کلمه اول یک یک اضافه می شود و سه کلمه دوم ده ده و سه کلمه سوم صد صد و
مثلاً کلمه کتاب به حساب جمل می شود (ك = ۲۰ ، ت = ۴۰۰ ، الف = ۱ ، و = ۲ = ۲۳ ،
و اینکه مرحوم مؤلف در فصل اول این حروف را بجای اعداد ترتیبی بکار برده بر مبنای
حساب جمل نیست و ترتیب از آن سراد است . م .

چنانچه کاتب نسخه مؤلف باشد تاریخ تحریر کتاب غالباً تاریخ تألیف آنست یا در آن حدود است .

اگر کاتب دیگری باشد و معروف باشد و نسخه تاریخ نداشته باشد البته تاریخ کتابت از حدود زندگی کاتب تجاوز نمی کند، اگر کاتب معروف نباشد ممکن است کتاب دیگری را هم کتابت کرده باشد و بنابراین در فهرست کاتبان نسخه های خطی کتابخانه های دیگر جستجو باید کرد که اگر در جای دیگری کتابی بخط همین کاتب با تاریخ باشد همان تاریخ را تاریخ تقریبی تحریر این نسخه بدون تاریخ شمرد .

قرینه دیگر خط کتابت است چنانچه تاریخ تکامل و وضع خطوط متعدد کتابت در نظر باشد ، می توان بر حسب اختلاف تاریخ ، کتابت آنرا از حدود تاریخ معینی جلوتر آورد ، مثلاً اگر کتابت بخط شکسته نستعلیق باشد می توان مطمئن شد که نسخه قبل از قرن یازدهم کتابت نشده است ، و اگر بخط نستعلیق باشد از نیمه دوم قرن هشتم مقدم نخواهد بود . همچنین اگر بهر یک از خطوط نوشته شده باشد بر حسب تحول و تکاملی که در خط واحد در طی چند قرن حاصل شده است می توان آنرا منسوب بقرن معینی کرد مثلاً اگر نسخه بخط نستعلیق نوشته شده باشد با ممارست و آشنائی بتغییرات شیوه این خط ، می توان حدس زد که این نسخه نزدیکتر بکدامیک از شش قرنی است که خط نستعلیق نشو و نما کرده است .

دیگر قرینه مرکب نوشته کتابست که مرور دهور در ترکیب اثرات خاص می گذارد ، از جمله رنگ سیاهی آن تغییر می نماید و برنگ قهوه ای نزدیک می شود و شفافیت آن کم می شود یا زایل می شود یا روی کاغذ هاله می اندازد و یا ثابت می شود . دیگر قرینه کاغذ نسخه است ، چنانکه در مبحث انواع کاغذ گذشت ، شناسائی انواع کاغذ که در قرون مختلف متداول بوده است برای تعیین تاریخ تقریبی کتابت مفید و کمک است .

دیگر قرینه تزئینات نسخه است که اگر مزین باشد سبک های تذهیب و تصویر

که هر یک معرف قرن و دوره معین است برای شناسائی تاریخ تقریبی کتابت و سیله‌ایست .

دیگر قرینه اینکه ممکن است نسخه بدون تاریخ تحریر برای امیر و بزرگی کتابت شده باشد که در این صورت تاریخ زمان حیات صاحب نسخه تاریخ تقریبی کتابت نسخه خواهد بود.

نام کاتب - ذکر نام کاتب در فهرست کتابهای خطی لازم و بسیار مهم است چه بسا ممکن است که کاتب ذکر نام خود را کرده و از ثبت تاریخ تحریر خودداری کرده باشد و چنانکه در مبحث سابق گذشت می‌توان تاریخ تحریر تقریبی بسیاری از نسخه‌های بدون تاریخ را بدینوسیله تعیین کرد ، یا ممکن است نسخه بخط کاتب خوشنویسی نوشته شده باشد که در اینصورت ارزش نسخه افزایش می‌یابد . یا نسخه بخط مصنف کتاب یا یکی از دانشمندان یا بزرگان باشد، که در این حال اهمیت نسخه از لحاظ ارزش معنوی و مادی پوشیده نیست .

کتاب نسخه‌ها غالباً نام خود و پدر و اجداد و نسب و محل کتابت و بعضی مطالب دیگر را مشروحاً در آخر نسخه می‌نویسند ، برای ضبط نام کاتب در این موضع می‌توان فقط بنقل نام و نام پدر و نسبت اکتفا کرد، و نقل سایر مطالب را در محل دیگر که بعداً ذکر خواهد شد باید گذاشت .

انواع جلد - ساده‌ترین انواع جلد که از قدیم‌ترین تاریخ دوره اسلامی متداول شده چرمی بوده است که از پوست حیوانات اهلی مانند گوسفند و اسب و غیره تهیه می‌شده و آنرا روی چند طبقه کاغذ یا خیر کاغذ مانند مقوای امروزه تهیه کرده یا روی یک ورقه چوب نازک می‌کشیده و جلد کتاب می‌کرده‌اند . این جلد‌ها در ابتدا کاملاً ساده و حتی الوان آن محدود برنگ طبیعی قهوه‌ای و زرد رنگ و سیاه رنگ بوده و روی آن در ابتدا هیچگونه نقش و تزیینی نداشته است ولی در حدود ده قرن پیش کم‌کم نقوش ساده‌ای روی جلد‌ها بکار برده شد که واقعاً باید آنرا یک نوع نقاری دانست

که در روی چرم با قلم فولادی نقوش ساده و ابتدائی می‌انداختند و بتدریج این نقوش دقیق‌تر و اشکال آن از رسمهای هندسی تشکیل شد و گاهی قسمت فرو رفته این نقوش را با رنگ سفید و سیاه مشخص می‌ساختند و یا فقط روی جلد را با نقوش ساده سیاه و سفید مزین می‌کردند. بعدها همین نقوش با آب طلا جلوه کرد و در قرن ششم و هفتم این نقوش ساده با متن در حاشیه^۱ نسبت توأمی نموده شد و کم کم حاشیه از متن مجزای و متمایز و در متن ساده نوعی ترنج ساده هویدا شد و از همان هنگام در همین قسم جلد الوان متعدد بکار برده شد و گاهی رنگ نقوش برجسته، و متن فرو رفته، یا بالعکس متمایز گردید.

جلد سوخت - قرن نهم هجری را باید دوره^۲ آغاز تکامل هنر جلدسازی ایران دانست و همان موقع است که شاید زیباترین و ظریف‌ترین جلد ها بکار آمد. این نوع جلدی که آنرا با اصطلاح «سوخت» یا «سوخته» می‌گویند عبارتست از میثنی که روی آن را نقوش برجسته بسیار دقیق انداخته، گاهی متن را با طلا پوشانیده و گل و بوته و نقوش دیگر را برجسته برنگ اصل چرم بیرون آورده‌اند، گاهی بعکس، و گاهی تمامی سطح جلد که فرو رفته و برجسته و دارای حاشیه و متن و ترنج و غیره است، از طلای ساده و یا رنگ برنگ پوشیده شده و گاهی معرق است یعنی نقوش باریک و دقیق از چرم بریده و روی متنی که غالباً از کاغذ الوان است، انداخته‌اند.

در توصیف چنین جلدی باید نوشت مثلاً «جلد سوخت طلا پوش بانقش ترنج و لچکی حاشیه‌بند روی اندرون تیماج تریاکی ترنج و نیم ترنج معرق زمینه لاجوردی:»

جلد ضربی - هنگامی که این جلد سازی معمول شد، نوع دیگری از جلد ها متداول گردید که با آنکه خود زیباست، ولی دقت و لطافت جلد های سوخت را ندارد. این نوع جلد که آن را با اصطلاح «ضربی» یا «کوبیده» می‌گویند آنست که روی چرم قطعه‌های فلزی منقش مخصوصی انداخته می‌گویند و در نتیجه در سطح چرمی اثر نقش فلزی می‌ماند که آن فرو رفته را با طلا می‌پوشانند و نقوش برجسته که رنگ اصل میثن را

دارد ساده و برجسته می‌ماند و با قطعه‌ای چرم رنگ دیگر را جداگانه منقوش می‌کنند و در محل ترنج و نقوش دیگر الصاق می‌کنند و گاهی تمام نقش را طلاکوبی می‌کنند و متن ساده می‌ماند، و گاهی بعکس. اگر همین عمل را روی چرم به اصطلاح «ساغری» (چرم کفل دراز گوش و استر) کرده باشند نقوش آن غالباً باطلا و سایر الوان مشخص می‌شود که گاهی بصورت میناکاری درمی‌آید.

در توصیف این جلد‌ها باید قید کرد مثلاً جلد میشن تریاکی ضربی ترنج و سر ترنج و لچکی مذهّب». یا «جلد ساغری مشکی ترنج و سر ترنج منگنه» مذهّب منقش میناسازی».

جلد روغنی - در قرن نهم و دهم که بحجوه ترقی صنعت تزیین نسخ خطی است نوع دیگری از جلدسازی معمول شد که دنباله آن هنر تا عصر حاضر کشیده شده است. این نوع جلد به اصطلاح «روغنی» است که از قرن نهم در ایران متداول گردیده و پیوسته بظرافت و زیبایی آن افزوده شده است و دوره کمال این صنعت را باید قرن ۱۲ و ۱۳ هجری دانست. کارهای روغنی که با هنر قلمدان سازی هم ردیف است، آنست که بیشتر روی مقوّا و گاهی روی پارچه نخی و احياناً روی تخته چوب و قطعه چرم را آستری از رنگ ساده کشیده و روی آن نقاشی دقیق مینیاتور یا تذهیب یا نوشته‌ای بخط خوش نگاشته و روی آن را متناوباً با روغن کمان می‌کشند و همین طبقات روغن تشکیل قشری را روی متن نقاشی می‌دهد که تصاویر و رسمها زیر آن محفوظ می‌ماند و روغن روی آن را مانند لعاب یا پوشش شفاف فرامی‌گیرد. در توصیف یک جلد روغنی باید نوشت مثلاً «جلد روغنی بوم مشکی ترنج و نیم ترنج گل و بوته متن عنابی زرك، حاشیه متن قهوه‌ای گل ریزه نقاشی اندرون بوم سرخ با یک بوته گل سنبل رقم فتح الله تاریخ ۱۲۷۰».

معمول ترین و معروفترین و مهمترین جلد‌های تزیینی ایرانی که در زیبایی و لطافت و دقت شهرت جهانی دارد، سه نوع مذکور یعنی «سوخت» و «ضربی» و «روغنی»

است، که در هر یک استادان هنرمند مشهور پیدا شده‌اند. از معروفترین مجلدان دوزخ
اول از زمان بایسنقر میرزا و سلطان یعقوب استاد «قوام‌الدین تبریزی» است که گویند
منبت کاری روی جلد از اختراعات او است و نیز «عیشی» و «محمود مجلد» از هنرمندان
سلطان یعقوب بوده و از مجلدین کتابخانه شاه طهماسب اول صفوی یکی «محسن مجلد»
است و «قاسم بیگ تبریزی» تا سال ۱۰۰۰ در قید حیات بوده است.

از صحافان و قطّاعان معروف قرن نهم و دهم «دوست محمد» و «شیخ عبدالله»
امامی و «سنگی علی» بدخشی و «میر سعید فغانی هروی» و «مظفر علی» و «محمد امین»
و از استادان نوع سوم یعنی جلد روغنی عدّه بسیاری است که بعضی آنها از معاریف
نقّاشان و مذهبیان هستند و نام «بهزاد» و «رضای عباسی» معروف و «یاری مذهب»
هروی را در بعضی نقوش جلدها می‌توان دید و از این قبیل هنرمندان از قرن یازدهم بعد
«علی قلی جبه‌دار» هنرمند زمان شاه عباس صفوی و از هنرمندان قرن دوازدهم و سیزدهم
«میرزا بابا اصفهانی» و «آقا صادق» و «علی اشرف» و «آقا باقر» و «آقا نجف»
و «آقا زمان» معروفند و «لطفعلیخان صورتگر» و «آقا فتح‌الله شیرازی» و از هنرمندان
قرن حاضر و از معاصرین مرحوم «میرزا علی درودی» که در این سنوات اخیر درگذشت.
گذشته از انواع مذکور، در طی هزار سال گذشته جلدهای ساده و کم‌اهمیت تردیگر
متداول بوده و هست که عبارتند از: جلدهای تیماج- میشن- ساغری- مقوائی که روی
آن را کاغذ یا پارچه نخی و ابریشمی و پشمی و زری کشیده باشند.

در جلدهائی که روی آن پارچه ایست غالباً مقوّا بکار نمی‌رود و پارچه تمام سطح
جلد را نمی‌پوشاند مثلاً اگر روی جلد از ترمه یا زری باشد آنرا در قاب ماندنی از تیماج
جای می‌دهند که آستر آن نیز معمولاً از همان جنس تیماج است. در توصیف چنین
جلدی نوشته می‌شود مثلاً «جلد دولائی ابره شال ترمه کشمیری لاکی، سجاف و آستر
تیماج سبز.» گاهی جلدهای تزئینی قیمتی و روی آن مرصّع بجواهر یا مروارید دوزی
و گاهی از زر یا سیم و یا صدف منقّش دیده شده است که چون عمومیت ندارد از ذکر

آنها خودداری می‌شود.

گاهی ممکن است بیرون جلد با اندرون آن اختلاف داشته باشد مثلاً بیرون آن ضربی و اندرون سوخت باشد، یا بیرون تهاج ساده و اندرون سوخت، یا بیرون روغنی و اندرون سوخت باشد. و یا در روی جلد بعضی آن روغنی و بعضی دیگر ضربی یا سوخت باشد. این اختلافات باید ذکر شود.

بعضی جلد‌های سوخت و ضربی و تهاج ساده در یک دفّ جلد لبه مثلث شکلی دارد که برای حفاظت اوراق کتاب تعبیه شده در روی دفّ دیگر تا می‌شود. چنانچه اصل جلد تزییناتی داشته باشد همان تزیینات در روی این لبه نیز هست، در همه این قبیل جلد‌ها و مخصوصاً در جلد‌های سوخت و نفیس باید ذکر «لولادار» نیز بشود در توصیف جلد‌های سوخت باید نوع تزیینات و طرح‌هایی که دارد و نیز اگر مطالبی با خط تزیینی در آنها نوشته شده باشد همه آنها را قید کرد.

در توصیف جلد‌های روغنی تمام توضیحاتی که برای یک صفحه تصویر و تذهیب می‌شود در آن نیز باید بشود و چون معمولاً بیرون و اندرون جلد‌های روغنی نقوش مغایری دارد، توصیف هر یک را جداگانه باید کرد و اگر رقم داشته باشد (و غالباً این قبیل جلد‌ها عاری از رقم نیست) همین رقم و تاریخ کار آن نیز باید نقل شود، اگر رقم و تاریخ نداشته باشد با تطبیق سبک‌های مختلف، باید آنرا یکی از هنرمندان معروف این هنر (که ذکر نام بعضی آنها رفت) و یا چنانکه در تشخیص تزیینات گذشت، آنرا یکی از مراکز و دوره‌های این هنر نسبت داد. اهم مراکز و سبک‌های جلد‌های روغنی و قلمدان سازی در ایران کنونی، سبک شیراز - اصفهان - خراسان - تبریز - تهران، و خارج از ایران امروزی سبک‌های هراتی، کشمیری، ترکی، بغدادی، ترکستانی است. برای حفظ بعضی جلد‌های مزین، آنها را در قاب دیگری که بیشتر از جنس تهاج و میشن است می‌گذارند و همین قاب دوم گاهی دارای تزییناتی است. ذکر این محفظه‌ها

نیز لازم است و در توصیف چنین جلدی باید نوشت مثلاً : « جلد سوخت
 در محفظه‌ای از تیاج سرخ بغدادی ترنج و نیم ترنج و حاشیه مذهّب ». نیز ممکن است
 محفظه بصورت قابلق و از پارچه نفیسی که گاهی مروارید دوزی یا ملیله‌دوزی یا
 منجوق دوزی یا قلاب دوزی و غیره است باشد، توصیف قابلق نیز لازم است .

فصل سوم

تعریف

مقصود از تعریف یک نسخه خطی تشخیص کیفیت تألیف و تدوین آنست و مطالب مهمتی که در این قسمت باید رعایت ذکر آنها بشود عبارتست از :

اسم یا عنوان کتاب - معرف مصنف یا مؤلف یا مترجم آن - توضیح درباره تألیف کتاب - نقل قسمتی از عین عبارات کتاب و اینکه توضیح هریک از این عناوین :

نام یا عنوان کتاب - در ذکر نام کتاب باید متذکر بود که گاهی کتابی بعنوان غیر نام اصلی کتاب معروف است . مثلاً نام « تاریخ و صّاف » که معروفست ، عنوان اصل آن نیست و نامی که مؤلف به آن داده است : « تجزیة الامصار و تزجیه الاعصار » و نام مؤلف « عبدالله بن فضل الله » و چون ملقب به « و صّاف الحضرة » بوده است کتاب بنام « تاریخ و صّاف » معروف شده است . و کتاب « بدایع الازمان فی وقایع کرمان » که مؤلف آن « افضل الدین ابوحامد احمد بن حامد کرمانی » است در نزد مورّخین بعد بعنوان « تاریخ افضل » معروف شده است .

گاهی عنوان مفصل کتاب موجب می شود که فقط با نسبت مؤلف آن شناخته شود ، مثلاً دوره کتاب مشروحی که بعنوان مختصر « تاریخ ابن خلدون » معروفست ، عنوان کامل آن این است : « کتاب العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی ایام العرب و العجم والبر و رومن عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر » .

گاهی عنوان کتابی بتمامی مصطلح نیست ، مثلاً تاریخ معروف خواندمیر که بعنوان

« حبيب السیر » معروفست ، عنوان کامل آن « حبيب السیر فی اخبار افراد البشر » است .

در موارد مذکور باید عنوان کتاب را کاملاً ، یعنی آنچه مؤلف بآن نام داده است نقل کرد . و عنوان مشهور آن را نیز در پرانتز آورد . و در موردی مانند تاریخ خواندمیر کافیت نوشته شود « حبيب السیر فی اخبار افراد البشر » گاهی کتابی را مؤلف نامی نداده است ولی بعنوانی مشهور است مانند « جهانگشای نادری » .

مصنّف ، مؤلف ، مترجم . - با اینکه مفهوم این سه لفظ روشن است جزئی توضیحی در تعریف آنها خالی از فایده نیست :

مصنّف - کسی است که در موضوع معین مطالبی را از معلومات خود جمع آوری کرده یا با مراجعه بکتابهای دیگر در همان موضوع ، مطالبی را دریافته و بذوق خود آنها را تلفیق و تدوین و انشاء کرده باشد .

مؤلف - کسی است که در موضوع معین مطالبی را که از دیگران است جمع آوری و بسلیقه خود تلفیق و انشاء نموده بدون اینکه تصرّفی در اصل موضوع کرده باشد .
مترجم - کسی است که عین مطالب یک کتاب یا رساله یا مقاله را که بزبان معینی است بزبان دیگر بگرداند .

ترجمه باصطلاح امروز دو قسم است : تحت اللفظی - آزاد که در قسم اول مترجم بهیچوجه از ترجمه عین الفاظ و عبارات اصل منحرف نمی شود و از این قبیل است ترجمه غالب آیات قرآنی بفارسی .

در قسم دوم تقریباً همان مطالب اصل را با عبارات دیگر ادا می کند و این نوع ترجمه نیز بر دو قسم است :

یکی آنکه در هر جمله و عبارت مترجم مطلب را درك و با عبارات خود انشاء می کند . دیگر آنکه علاوه بر تغییرات عبارتی ، گاهی در معنی و موضوع هم دخل و تصرف می کند ، یعنی گاهی مطالبی به آن می افزاید و گاه بعضی مطالب را می کاهد . این

عمل اگر ترجمه از زبان دیگر نباشد و همین دخل و تصرف در مطالب یک کتاب و مقاله باشد که بهمان زبان نوشته شود عنوان « اقتباس » دارد .

پس از ثبت نام کتابی که باید فهرست شود ، از سر سطر شروع بتوضیحات می شود و این توضیحات با ذکر خلاصه نام مصنف یا مؤلف یا مترجم شروع می شود . مثلاً در فهرست کتاب « بدایع الزمان فی وقایع کرمان » نوشته شود تألیف « افضل الدین کرمانی » (ذکر نام کامل مؤلف در جای دیگر می شود که بعداً خواهد شد) . اگر کتاب ترجمه یا تلخیص و اقتباس از کتاب دیگری باشد ذکر مؤلف اصل و تاریخ تألیف آن نیز می شود .

توضیح در باره کیفیت تألیف کتاب - پس از ذکر نام مؤلف یا مترجم ذکر موضوع کتاب می شود مثلاً در همان کتاب بدایع الزمان نوشته می شود « تاریخ سلاجقه کرمان » و بعد ذکر بیان تألیف و حدود تاریخ آن می شود و بعد ذکر این مطلب که این کتاب به امر فلان امیر یا خواهش فلان دوست ، در فلان محل تألیف شده است . اگر موجب دیگری برای تألیف باشد آن نیز یادداشت می شود .

غالباً مؤلفین مراجع اطلاعات خود را فهرست وار ذکر می کنند ، این منابع نیز ذکر می شود . این مطالب غالباً در مقدمه یا احیاناً در آخر کتاب ذکر می شود و برای تعریف هر کتاب ، صفحه یا صفحاتی از مقدمه و خاتمه کتابها را بدقت باید مطالعه کرد و مطالب ذکر کردنی را ذکر ، و گاهی عین بعضی عبارات را در میان علامت « : » نقل کرد :

تقسیماتی را که خود مؤلف کرده است با ذکر تقسیم بندی و عنوان هر مبحث باید در همین جا نقل شود . مثلاً اگر کتاب بسه جلد تقسیم شده باشد ، باید نوشت « کتاب بسه جلد تقسیم شده است بشرح ذیل :

(۱) جلد اول . از صفحه فلان تا صفحه فلان .

آغاز : (چند کلمه از عبارات عیناً در علامت گیومه نقل می شود .)

پایان : (چند کلمه از آخر جلد عیناً در گیومه نقل می شود) .

(۲) جلد دوم - از صفحه فلان تا صفحه فلان .

آغاز - (چند کلمه از عبارات عیناً در علامت گیومه نقل می شود)

پایان - (چند کلمه از آخر جلد عیناً در گیومه نقل می شود) الخ .

اگر تقسیمات فقط در ابواب و فصول باشد ، ذکر شماره و عنوان هر باب و فصل

کافی است و نقل عبارات آغاز و پایان آن لازم نیست .

در توضیح کلیات اشعار شعراء که معمولاً اشعار مختلف از قصیده و غزل و قطعه

و مثنوی و رباعی و فرد و گاهی مطالبی منشور و غیره است ، باید تقسیم هر یک بر حسب

صفحات و ذکر آغاز و انجام بشود .

اگر نسخه خطی از کتابهایی است که بچاپ رسیده یا نسخ خطی آن متعدد

و فراوان است ، در توضیح مطالب مذکور باید به اختصار کوشید ، مثلاً در تعریف

یک نسخه روضة الصفاء خطی (اگر اختلافات کلی با نسخه های خطی و چاپی

نداشته باشد) تقسیم بندی دقیق و جزئی و عنوان کتابها و ابواب و فصول و شرح مطالب

هر یک و موجبات تألیف را باید در نهایت اختصار ذکر کرد و یا ذکر بعضی را نکرد

و تفصیل مطلب را بسایر فهرست های چاپی کتابخانه های دیگر حواله کرد ، ولی اگر

نسخه ای باشد که بچاپ نرسیده و نسخه آن منحصر یا نادر باشد ، باید هر چه بیشتر

بتوضیحات مذکور افزود و کیفیت و موجبات تألیف و تقسیم مطالب و موضوع و حتی

ذکر موضوع ابواب و فصول بتفصیل بیان شود و نیز در صورتیکه فهرست کننده بتواند

بخود اجازه دهد به تقریظ و انتقاد مطالب و انشاء آن نیز باید پردازد .

بعضی نسخه ها با اینکه متعدد و یا بچاپ رسیده ، ممکن است مطالب تازه ای

داشته باشد که در سایر نسخه ها نباشد ، مثلاً دیوان ظهیرالدین فارابی مکرر بچاپ

رسیده و نسخه های خطی آن متعدد است ، ولی بعضی نسخه های قدیم هست که

دیباچه^۱ مثوری در ابتدا دارد ، باید در فهرست چنین نسخه‌ای ذکر اضافات را کرد و حتی خلاصه^۲ مضمون مقدمه^۳ مثور را ذکر و قسمتی از عبارات آغاز و انجام مقدمه را عیناً نقل کرد .

اگر در یک مجلد مجموعه‌ای گرد آمده باشد ، باید عنوان این کتاب را فقط « مجموعه » نوشت و بعد در توضیح مطلب نوشت که « این مجموعه مشتمل بر ده کتاب یا رساله است بشرح ذیل : » و بعد با شماره به تعریف هریک از رسالات ، درست مانند تعریف یک کتاب مستقل پرداخت .

چنانچه نسخه خطی کتاب کامل نباشد ، ذکر فصول و قسمتی که هست می‌شود . و اگر از اوّل و آخر ساقط داشته باشد ، باید تعیین میزان تقریبی اوراق ساقطه (با مراجعه و مقابله با نسخه کامل دیگر) بشود .

نقل قسمتی از عین مطالب کتاب - پس از ذکر مطالب فوق قسمتی از عین عبارات کتاب در میان علامت گیومه نقل می‌شود و این عبارات عبارتست از : قسمتی از اوّل نسخه که به این نحو در سر سطر نوشته می‌شود :

آغاز : « و چون غالب نسخه‌ها در ابتدا مقداری عبارات بطور دیباچه یا براءت استهلال و یا خطبه دارد ، باصطلاح از « بسمله » و « فاتحه » و « خطبه » بنقل دوسه کلمه اکتفا و بعد از آن چند نقطه گذاشته می‌شود و بعد از آنجا که اصل مطلب مقدمه شروع می‌شود ، یک عبارت کامل عیناً نقل می‌شود .

گاهی مطالب بسمله و حمد له^۱ و خطبه طولانی است و تا آنجا که مطالب اصل مقدمه که باید از آنها استفاده^۲ توضیح کرد می‌رسد چندین سطر و گاهی چندین صفحه می‌گذرد . مثلاً در کتاب « تاج المآثر » تألیف « حسن نظامی » بیش از بیست صفحه دیباچه و خطبه دارد که مطلقاً ارتباط به اصل مطلب کتاب ندارد . در این قسم کتاب باید سطور و صفحات مقدمه را بسرعت از نظر گذرانید تا بجائی رسید که عبارت « اما

۱- اصطلاح اختصاری الحمد لله که در آغاز خطبه‌ها گفته و نوشته می‌شود . م .

بعد « نوشته شده است و از آن ببعد باید بمطالب آن بدقت نگرست تا توضیحات لازم را از آن پس اقتباس کرد .

ممکن است مؤلف در آخر کتاب ، پس از پایان مطلب ، عبارتی مثلاً اعتذار و غیره نوشته باشد . قبل از اینکه باین قسمت عبارت برسم ، پس از نهادن چند نقطه ، از اصل مطلب کتاب ، باندازهٔ یک جملهٔ کامل نقل می‌شود و مطالب اضافه ، اگر مفصل نباشد ، بتمامه نقل می‌شود و اگر طولانی باشد ، یک عبارت کامل از ابتدای آن نوشته می‌شود و باز چند نقطه گذاشته و آخرین عبارت کامل نوشته و گیومه بسته می‌شود .

پس از خاتمهٔ مطالب کتاب ، معمولاً کتاب نسخه‌ها خود مطالبی می‌نویسند . این مطالب باید بتمامی از اسم کاتب و پدران و نسبت کامل و تاریخ از روز و ماه و سال و حتی ساعت تحریر و اینکه برای چه کسی ، و در جاکتابت شده و سایر مطالب ، در گیومهٔ تازه‌ای نقل می‌شود ، چنانکه آخرین کلمهٔ منقول ، آخرین کلمهٔ مکتوب در اصل نسخه باشد .

گاهی تاریخ کتابت نسخهٔ خطی جدید است ، ولی کاتب متذکر است که نسخه از روی نسخهٔ قدیم و یا حتی از روی نسخهٔ خط مؤلف کتاب ، کتابت شده‌است ، عین این مطالب باید حتماً نقل شود .

گاهی کاتب از روی نسخه‌ای کتابت می‌کند که آن نسخه تاریخ قدیم دارد و متذکر آن نیست ، باید دقت شود که عین مطالب آخر نسخه نقل و ذکر شود که تاریخ کتابت جدید است .

معرفی مصنف و مؤلف - پس از تعریف کامل نسخه ترجمهٔ احوال مصنف نوشته می‌شود . این شرح حال نباید بسیار مفصل باشد . مخصوصاً اگر مؤلف شخص مشهوری باشد که در منابع دیگر به ترجمهٔ احوال او دسترس باشد . و در اینجا بذکر

تاریخ تولد و وفات و معلومات و فهرست مؤلفات او اکتفا و اطلاعات بیشتری در این خصوص بمنابع دیگر حواله می‌شود. مثلاً در ترجمهٔ احوال انوری شاعر، پس از ذکر تاریخ تولد و وفات و معلومات ادبی و ریاضی و پزشکی و نجومی و آثار منظوم و منشور او نوشته می‌شود: «رجوع شود به تذکرهٔ فلان و فلان...»

فصل چهارم

ملاحظات

در بعضی نسخه‌های خطی نکات و ملاحظاتى هست که در معرفى آنها بسیار مهم است. مثلاً ممکن است که نسخه جز زیبائى ظاهر مانند حسن خط و جلد و کاغذ و تذهیب و تصویر یا کیفیت قدمت آن و غیره از لحاظ دیگر ممتاز باشد که در نظر اول شاید به اهمیت آن پی برده نشود، ولی با جزئى تفحص و دقت، اهمیت آن معلوم شود، این نکات عبارتست از:

نسخه بخط مؤلف یا منقول از خط مؤلف بیک یا چند واسطه باشد.

نسخه بخط یکی از علماء و بزرگان باشد.

در حواشی کتاب توضیحات و تصحیحات بخط مؤلف یا دیگری از دانشمندان و بزرگان باشد یا به امر امیر یا بزرگ یا دانشمندی از معاریف استکتاب شده باشد.

متعلق به کتابخانه یکی از بزرگان و معاریف و علماء بوده باشد.

برای مدرسه یا مسجد یا محل مخصوصی تهیه و وقف شده باشد.

در تمام این موارد و موارد مشابه آن، باید این نکات را صریحاً و دقیقاً در فهرست یادداشت کرد و اگر عبارات این مطالب کم و کوتاه و مختصر باشد. باید عین بعض آنها را نقل کرد. مثلاً یک نسخه از کتاب «تاج المآثر» در کتابخانه ملی تهران است که به امر شاه عباس بزرگ صفوی کتابت شده است.

در توضیح آن باید چنین نوشت: «نسخه بامر شاه عباس اول کتابت شده

و در پشت صفحه اول در شمسه مرصعی چنین نوشته شده است: «بر حسب فرمان قضا جریان شاهنشاه ایران خسرو و کشورستان شاه عباس الصفوی بهادر خان خلد الله ملکه». و نیز یک نسخه از جلد سوم «مجمع التواریخ» حافظ ابرو در همان کتابخانه است که باید در توضیح آن نوشت: «این نسخه جزو کتابهای کتابخانه شاهرخ تیموری بوده و بعدها بدست صاحب دیوان خواجه شمس الدین محمد بن سیدی احمد وزیر الغ بیک بن شاهرخ و سلطان ابوسعید افتاده در یک موضع (صفحه فلان) در حاشیه یادداشتی بخط شاهرخ و رقم وی و در چندین موضع در حواشی مطالبی بخط صاحب دیوان مزبور نوشته شده است»^۱

چنانچه نسخه متعلق بکتابخانه یکی از معاریف باشد غالباً مهر مالک کتاب در اول و آخر یا درج کتاب دیده می شود و گاهی صاحب آن بخط خود مطالبی در پشت کتاب نوشته است. مثلاً نسخه ای از «تحفة العراقین» خاقانی داریم که متعلق بخلیفه سلطان بوده است. در توضیح آن باید نوشت: «نسخه متعلق به سید علاء الدین حسین معروف بخلیفه سلطان داماد و صدراعظم شاه عباس بزرگ بوده و در پشت صفحه اول بخط خود چنین نوشته است «دوسه روزی بعاریت با ماست حرره العبد خلیفه سلطان الحسینی و بمهر خود مهور ساخته است».

اگر نسخه متعلق بپادشاهان و بزرگان باشد، کتابداران ایشان این مطلب را می نویسند و مهری کنند و معمولاً هنگامی که کتابخانه از یک کتابدار به کتابدار دیگری تحویل میشده است، عبارت «تحویل شد» و وقتی کتاب وارد کتابخانه یا تفتیش میشده، عبارت «داخل عرض شد» یا «عرض دیده شد» را می نوشته و بمهر کتابدار یا مفتش مهور میشده است. این نکات را باید ذکر کرد:

ممکن است نسخه وقف کتابخانه یا بقعه یا مدرسه یا شهر یا شخص یا اشخاص مخصوص

۱ - این نسخه را مرحوم بیانی در مجله یادگار س ۴ ش ۹ و ۱۰ ص ۱۷۱ - ۱۷۶

معرفی کرده است و گراور خط و اسضای شاهرخ هم در آنجا هست. م.

باشد؛ در این صورت علاوه بر اینکه در همه یا غالب صفحات کلمه «وقف» نوشته می‌شود، گاهی وقف نامه‌ای نیز در پشت صفحه اول یا آخر یا موضوع دیگر کتاب نوشته می‌شود و شرایط استفاده از آن را واقف ذکر می‌کند. در این صورت باید قید وقف آنرا کرد و چون وقف نامه غالباً مفصل است، بنقل خلاصه مطلب اکتفا کرد و باید ذکر کرد که وقف نامه در فلان صفحه ثبت شده است.

ممکن است نسخه‌ای که فهرست می‌شود ناقص باشد یعنی از اول و آخر و میانه صفحاتی ساقط داشته باشد باید این نقصیه را یادداشت کرد.

ممکن است نسخه ناقص بوده و بعد آنرا تکمیل کرده باشند، باید ذکر کرد که بعضی صفحات یا چند صفحه از اول یا آخر ننویس است و باید تاریخ تحقیق یا تقریبی قسمت‌های ننوشته را تعیین نمود.

بعضی نسخه‌ها در نظر اول کامل و منظم و مضبوط است ولی ممکن است صفحاتی ساقط داشته باشد یا اوراق آن پریشان صحافی شده باشد باید صفحات ساقط را ذکر و اوراق مشوش را صحافی کرد.

مهرزدن نسخه‌های خطی - یادداشت کتابدار در پایان معرفی هر نسخه ذکر این مطلب خالی از فایده نیست که اگر نسخه بچاپ رسیده باشد، چند چاپ و درجه تاریخ و درجاء و بکوشش چه کسی بچاپ رسیده است.

فصل پنجم

منابع مراجعه

برای فهرست کردن نسخه‌های خطی، هر فهرست‌کننده نیازمند کمک از کتابهای دیگر است. این کتابها علاوه بر مراجع تاریخی و تذکره‌ها و تاریخهای ادبیات و علوم و فهرست‌نامه‌های مؤلفات و آثار (Bibliographie) مشتمل بر یک رشته از کتابهای فهرست‌نسخ خطی کتابخانه‌های بزرگ است که بچاپ رسیده. در صورتیکه برای فهرست کردن نسخه‌های خطی از این قبیل کتابها استفاده شود باید در هر مورد با ذکر صفحه هر کتاب بهمان کتاب ارجاع شود، مخصوصاً هنگامی که در فهرست فعلی مطلب به اختصار برگذار شده باشد برای استحضار مشروح باید حتماً بمراجع اصل حواله شود. اینک برای راهنمایی نوع این کتابها را در تقسیم علوم که در فصل اول متذکر شده‌ایم ذکر می‌کنیم:

قسمت ۶ از تقسیم اصلی سوم (علوم اجتماعی). قسمت ۵ از تقسیم اصلی چهارم (زبان‌شناسی) - بند (ب) از قسمت اول از تقسیم اصلی هفتم (ادبیات) - قسمت ۲ تا ۹ و مخصوصاً قسمت ۱۰ از تقسیم اصلی هشتم (تاریخ).

فصل ششم

فهرست‌ها

فهرست‌هائی (Index) که در یک کتاب فهرست کتابهای خطی (Caralogue) باید تدوین شود عبارتست از:

(۱) فهرست اعلام - که خود مشتمل است بر:

الف) فهرست اسامی اشخاص و قبایل و سلسله‌ها - که بترتیب حروف تهجی تنظیم و با ذکر شماره صفحه‌هائی که هر یک از اسامی در آنها آمده است، در آخر کتاب گذاشته می‌شود.

در این فهرست بهتر اینست که مؤلفین که تألیفات آنها جزو مجموعه کتابهای خطی فعلی است با حروف درشت‌تر نموده شود.

ب) فهرست کاتبان و نقاشان - بعضی فهرست نویسها. برای کاتبان و نقاشان نسخه‌های خطی فعلی، فهرست جدا گانه‌ای تنظیم می‌کنند و پیروی از این روش بسیار سودمند است.

ج) فهرست اسامی کتابها - که نام عموم کتابهای که در فهرست آمده است نیز به ترتیب حروف تهجی تنظیم و با ذکر شماره صفحه‌هائی که هر یک از کتابها در آن آمده است تعیین می‌گردد.

در این فهرست نیز بهتر آنست که شماره صفحاتی که عنوان کتابهای فهرست شده در آنست، با حروف درشت‌تر مشخص گردد.

د) فهرست شهرها وامکنه - که هم چنین بترتیب حروف تهجّی تنظیم بدنبال فهرست‌های سابق الذکر در آخر فهرست نهاده می‌شود .

۲) فهرست مندرجات - که در اصطلاح فرانسه (Table des Matières) و در انگلیسی (Content) می‌گویند و در آن با ذکر شماره صفحه و مندرجات فهرست تدوین شده تعیین و در اوّل کتاب ، قبل از شروع مطالب فهرست نهاده می‌شود .

خاتمه

ثبت کتابهای خطّی

هر کتاب خطّی که بکتابخانه وارد می‌شود باید قبل از هرکار دیگر در دفتر ثبت مخصوص منعکس گردد و ثبت کتابهای خطّی یا چاپی اختلاف فاحش دارد اینک بنمونه دفتر ثبت کتابهای خطّی می‌پردازد .

در یک دفتر ثبت کتابهای خطّی برای هر یک از موادّ ذیل باید ستون مخصوصی با اندازه متناسب با مطالب آن در نظر گرفت و موادّ ستونها با اندازه‌ای که در کتابخانه ملّی تهران معمول داشته‌ایم بدینقرار است :

۱- شماره ترتیب	۲	سانتیمتر
۲- تاریخ ورود به کتابخانه	۲	»
۳- نام کتاب	۹	»
۴- مؤلف	۵	»
۵- تاریخ و محل تحریر	۲	»
۶- نام کاتب	۳	»
۷- شماره صفحات	۲	»
۸- نوع جلد	۳	»
۹- نوع کاغذ	۲	»
۱۰- خطّ	۲	»

- | | |
|------------|------------------------|
| ۲ سانتیمتر | ۱۱- سر لوح |
| » ۲ | ۱۲- تصویر |
| » ۳ | ۱۳- قطع |
| » ۳ | ۱۴- از چه محل تهیه شده |
| » ۳ | ۱۵- قیمت خریداری شده |
| » ۶ | ۱۶- ملاحظات |

و همچنین فاصله هر ستون افقی از ستون دیگر دو سانتیمتری باشد.

بهترین است که تقسیمات ستون افقی ۱۰ یا ۱۵ یا ۲۰ و قابل قسمت بعد پنج یا ده باشد که باینوسیله بتوان در هر صفحه تفتیش از صحت شماره گذاری کرد.

چند اصطلاح صحافی و تزینی بزبان فرانسه وانگلیسی

Rosace	ترنج [شمسه]	dessins incrusté	سوخت معرق
panneau	کتیبه	travail d'incrustation	کار سوخت
arabesque	اسلیمی	étuie à miroir	قاب آئینه
décoratif	تزینی (خطوط)	enluminure (ف) illumination (ا)	تذهیب
frontispice	سرلوح - سرفصل - عنوان	miange	حاشیه
couplet	مصرع شعر	Les arts du livre = The Arts of the Book	هنرهای کتابی
rabiot - Cuverture	لبه ، لوله	Ecriture = Script	خط
reliure mulé	جلد ضربی	Enluminure = — Illumination	تذهیب
		miniature = miniature Painting	مینیا تور
		Reliure = Book Binding	تجلید

فهرست اعلام

- | | |
|--|--------------------------------|
| ابوسعید - سلطان ۵۱، ۳۲ | حسنعلی - استاد ۳۲ |
| احمد - باغ شمالی - پیر ۳۲ | حسن نظامی ۴۷ |
| احمد - زرکوب - پیر ۳۲ | حسین - سلطان - میرزا بایقرا ۳۲ |
| احمد - سیدی ۵۱، ۳۲ | حسین - سیدعلاءالدین ۵۱ |
| احمد موسی ۳۲ | حسین - کمالالدین ۵۱ |
| احمد - بن حامد کرمانی - افضلالدین ابوحامد ۴۳ | حیدرعلی - استاد ۳۳ |
| افضلالدین کرمانی ۴۵ | خاقانی ۵۱ |
| الغ بیگ ۵۱ | خواند میر ۴۴، ۴۳ |
| امیردولت یار ۳۲ | خلیفه سلطان ۵۱ |
| انوری شاعر ۴۹ | خلیل - امیر ۳۲ |
| اویس - سلطان ۳۲ | دوست محمد ۴۰ |
| بابا - میرزا - اصفهانی ۴۰ | رضا - آغا ۳۳ |
| باقر - آقا ۴۰ | رضای عباسی ۴۰، ۳۳ |
| بایسنقر - میرزا ۴۰ | زبان - آقا ۴۰ |
| بهرامقلی ۳۲ | زینل مذهب ۳۳ |
| بهزاد - کمالالدین ۴۰، ۳۲ | سعید فغانی هروی - پیر ۴۰ |
| تیمور - امیر ۳۲ | شاهرخ تیموری ۵۱ |
| جنید بغدادی ۳۲ | شمسالدین ۳۲ |
| حافظ ابرو ۵۱ | شمس مذهب ۳۲ |
| حسن ۳۲ | شهابالدین ۳۲ |
| | شیخی بیگ ۳۲ |

- صادق - آقا ۴۰
صادق بیگ ۳۲
طهماسب - شاه ۴۰-۳۲
ظهیرالدین فارابی ۴۶
عالی بیگ ۳۲
عباس - شاه - بزرگ - صفوی ۵۱، ۵۰، ۴۰، ۳۳
عبدالحمید شیرازی ۳۳
عبدالحی ۳۲
عبدالرزاق ۳۳
عبدالعزیز ۳۲
عبدالعزیز شیبانی ۳۲
عبدالعزیز پسر خواجه عبدالوهاب ۳۳
عبدالغفار ۳۲
عبدالله امامی - شیخ ۴۰
عبدالله بخارائی ۳۳
عبدالله بن فضل الله ۴۳
عبدالله شیرازی ۳۳
عبداله مذهب ۳۲
عبدالله مصور ۳۲
عبدالوهاب - خواجه ۳۳
عبدالوهاب شیرازی ۳۳
عبیدالله خان ازبک ۳۲
عزیزالله خان ازبک ۳۲
عطای جدول کش - خواجه ۳۲
علی - خواجه ۳۲
علی - میرسید - پسر میر مصور ۳۳
- علی اشرف ۴۰، ۳۳
علی بدخشی - سنگی ۴۰
علی درودی - میرزا ۴۰
علی قلی بیگ ۳۳
علی قلی جبه دار ۴۰
علی مذهب ۳۲
عیشی ۴۰
غیاث الدین - خواجه ۳۲
فتح الله - شیرازی - آقا ۴۰، ۳۹
قاسم بیگ تبریزی ۴۰
قاسم علی چهره گشای ۳۳
قوام الدین تبریزی ۴۰
کا کا - خواجه ۳۳
کاظم قلی ۳۳
لطفعلی خان صورتگر ۴۰
محسن مجلد ۴۰
محمد امین ۴۰
محمد امین خطاط ۳۳
محمد - حاجی ۳۳
محمد - سلطان - نظام الدین ۳۲
محمد - شاه ، اصفهانی ۳۲
محمد - شمس الدین ، خواجه ۵۱
محمد مذهب ۳۳
محمد - مصور - استاد ۳۳
محمد حسین - مصور ، میرزا ۳۳
محمد حیات - خلیفه ۳۳

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------|
| مقصود ۳۲ | محمد زمان ۳۳ |
| میرک حسینی اصفهانی - جلال الدین ۳۲ | محمد علی - مصور ۳۳ |
| میرک مذهب ۳۳ | محمد قاسم تبریزی ۳۳ |
| میرک هروی ، امیر روح الله ۳۲ | محمد قدیمی ۳۲ |
| میر مصور ۳۳، ۳۲ | محمد هادی مذهب ۳۳ |
| نجف - آقا ۴۰ | محمود مجلد ۴۰ |
| وصاف الحضرة ۴۳ | محمود مذهب ۳۲ |
| ولی الله ۳۲ | محمود پسر میرک - قوام الدین ۳۳ |
| ولی جان ۳۳ | مسیح الله - ملا - حافظ ۳۲ |
| یاری مذهب ۴۰، ۳۲ | مظفر علی ۴۰، ۳۳ |
| یعقوب - سلطان ۴۰ | معین مصور ۳۳ |

فهرست امکنه

- | | |
|-----------------------|-------------------------|
| تونس ۲۱ | آذربایجان ۱۰ |
| تهران ۱۰-۴۱ | آسیای صغیر ۱۹، ۱۱ |
| الجزایر ۲۱ | اروپا ۱۹ |
| جماهير شوروی ۳ | اصفهان ۱۰، ۳۱، ۴۱ |
| چین ۱۰، ۱۱ | افغانستان ۱۱ |
| خراسان ۱۰، ۱۹، ۳۱، ۴۱ | ایران ۳، ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۱ |
| خلیج فارس ۱۰ | بخارا ۱۱، ۳۱ |
| خوزستان ۱۰ | بختیاری ۱۰ |
| روم ۹ | بغداد ۳۱ |
| ری ۱۰ | بین النهرین ۱۱ |
| ژاپن ۱۱ | تبریز ۳۱، ۴۱ |
| سمرقند ۱۹، ۳۲ | ترکستان ۱۹ |
| سیستان ۱۰ | ترکیه ۳ |
| شیراز ۳۱، ۴۱ | |

کربستان ۱۰	طبرستان ۱۰
کرمان ۱۰-۹	عثمانی ۲۱
گرگان ۱۰	عراق ۱۱، ۹
گیلان ۱۰	عربستان ۱۱
لرستان ۱۰	فارس ۱۰
مراکش ۲۱	فرغانه ۱۱
مصر ۱۹	قزوین ۱۰
ونیز ۱۹	قققاز ۱۱
هرات ۳۱، ۱۱	قم ۱۱
هندوچین ۱۱	کاشان ۱۰
هندوستان ۲۱، ۱۹، ۱۱	کاشغر ۱۱
یزد ۱۰	

فهرست نام کتابها

جهانگشای نادری ۴۴	اطلس خط ۳۲
حبیب السیر ۴۴	انجیل ۵
حبیب السیر فی اخبار افراد البشر ۴۴	ایران شهر ۲۱
خمسه نظامی ۳۴، ۲۹، ۱۸	بدایع الازمان فی وقایع کرمان ۴۵، ۴۳
دیوان ظهیر فارابی ۴۶	تاریخ ابن خلدون ۴۳
روضه الصفا ۴۶	تاریخ افضل ۴۳
شاهنامه فردوسی ۱۸	تاریخ سلاجقه کرمان ۴۵
طبقات سلاطین اسلام ۳۲	تاریخ و صاف ۴۳
کتاب العبر و دیوان المبتداء والخبر فی ایام العرب والعجم و البربر و من عاصرهم	تاج المآثر ۵۰، ۴۷
من ذوی السلطان الاکبر ۴۳	تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار ۴۳
	تحفة العراقین ۵۱
	تورات ۵

مجمع التواریخ ۵۱
یادگار، مجله ۵۱، ۱۹

قرآن ۴

مثنوی ۱۸

فهرست مصالح تزیین کتابها

سیم ۴۰	آب زر ۲۶، ۲۴
شنگرف ۲۶، ۲۴	آب طلا ۲۶
صدف ۴۰	ترمه ۴۰
طلا ۳۸، ۲	تیماج ۴۲، ۴۱، ۴۰
لاجورد ۲۶، ۲۴	خرده طلا ۲۵
لعاب نشاسته ۲۰	روغن کمان ۳۹
سروارید ۴۰	زر ۴۰، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴
مس ۲۴	زری ۴۰
مقوا ۴۰	زعفران ۲۴
میشین ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸	زرنکار ۲۴
مینا ۳۹	ساغری ۴۰، ۳۹
نقره ۲۴	سفیداب ۲۹، ۲۸، ۲۴
	سیلو ۲۶، ۲۴

فهرست برخی اصطلاحات مربوط به کتاب

بیاض (قطع) ۱۴	آهار و مهره ۲۰
بیت ۱۶	ابره ۴۰
خام و پخته ۲۴	افشان ۲۵، ۲۴
خشتی (قطع) ۱۵	افشان غبار ۲۵
دف ۴۱، ۱۵	بدرقه ۳۵
زرفشان غبار ۳۰	بوم ۳۹

سرسخن ۲۷	متن و حاشیه ۲۰
طوبار ۱۵	سرواریددوزی ۴۲
عطف ۲۶، ۱۵	مرقع ۱۵
قابلق ۴۲	مسطر ۱۷
قلاب دوزی ۴۲	مليله دوزی ۴۲
لولادار ۴۱	منجوق دوزی ۴۲

فهرست دو کتابخانه

کتابخانه سلطنتی ۱۸ کتابخانه ملی تهران ۵۶، ۵۰

فهرست نام ادیان

اسلام ۹	زرتشتی ۵
برهمنائی ۵	مسیحیت ۵
بودائی ۵	یهود ۵

فهرست نام دوره‌های تاریخی ایران

آق‌قویونلو ۳۲، ۱۰	شیبانیان ۳۲
آل زیار ۹	صدراسلام ۳۱
آل مظفر ۹	صفاریان ۹
اتابکان ۹	صفوی ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۱۰، ۹، ۸
افشار و زند ۳۱، ۱۰، ۸	طاهریان ۹
تیموریان ۳۲، ۳۱، ۱۰، ۸	غزنویان ۹
خوارزمشاهیان ۹	قاجار ۳۱، ۱۰، ۸
سامانیان ۹، ۸	معاصر ۸
سلجوقی و سلجوقیان ۳۱، ۹، ۸	مغول ۳۱، ۹، ۸



خط کوفی ص ۲۱



یکی از قدیمترین نمونه‌های خطوط نسخ ، قرآن قرن چهارم





ترصیع . تشعیر ص ۲۴ . کمند ص ۲۶ .
 سر لوح مزدوج . کتیبہ بسمله ص ۲۷ .
 سرفصل ص ۲۷ . سرفصل مفصل ص ۲۸
 دوصفحه اول متن وحاشیه مذهب ص ۲۳
 تزین هر صفحه — قرآن خط وصال شیرازی



حلّ کاری . ص ۲۴ جدول ص ۲۵ نقش گل و بوته
وحیوانات ص ۲۵



تمام صفحات متن وحاشیه تذهیب شده ص ۳۰. حواشی
مذهب مرصع. تشعیر مذهب مرصع ص ۲۴. قرآن
خط وصال شیرازی.

وَالْبَيْتِ وَاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ مَا رَدَّكَ ذِكْرُكَ وَمَا طَلَّ وَالْأَيُّونَ جَبْرُكَ
 مِنَ الْأَوَّلِ وَلَقَدْ جَعَلْتَ ذِكْرَ مَنْزِلِ الْأَوَّلِ مَعَهُ مَا رَدَّكَ
 قَبْلَهُ وَجَعَلْتَ مَا رَدَّكَ مَعَهُ مَا رَدَّكَ مَعَهُ مَا رَدَّكَ مَعَهُ مَا رَدَّكَ

سُورَةُ الْأَنْعَامِ مِائَةً وَخَمْسِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْإِنشَاءُ لَكَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ وَبِإِذْنِكَ الْإِلَهِي أَتَمَّ لَكَ وَتَمَّ
 لَكَ لَكَ لَكَ مَا رَدَّكَ مَعَهُ مَا رَدَّكَ مَعَهُ مَا رَدَّكَ مَعَهُ مَا رَدَّكَ

سُورَةُ الْأَنْعَامِ مِائَةً وَخَمْسِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالْإِنشَاءُ لَكَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ وَبِإِذْنِكَ الْإِلَهِي أَتَمَّ لَكَ وَتَمَّ
 لَكَ لَكَ لَكَ مَا رَدَّكَ مَعَهُ مَا رَدَّكَ مَعَهُ مَا رَدَّكَ مَعَهُ مَا رَدَّكَ

سُورَةُ الْأَنْعَامِ مِائَةً وَخَمْسِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَنْزُومٌ
 بِرُوحِ الْقُدُسِ
 كُنْتُ

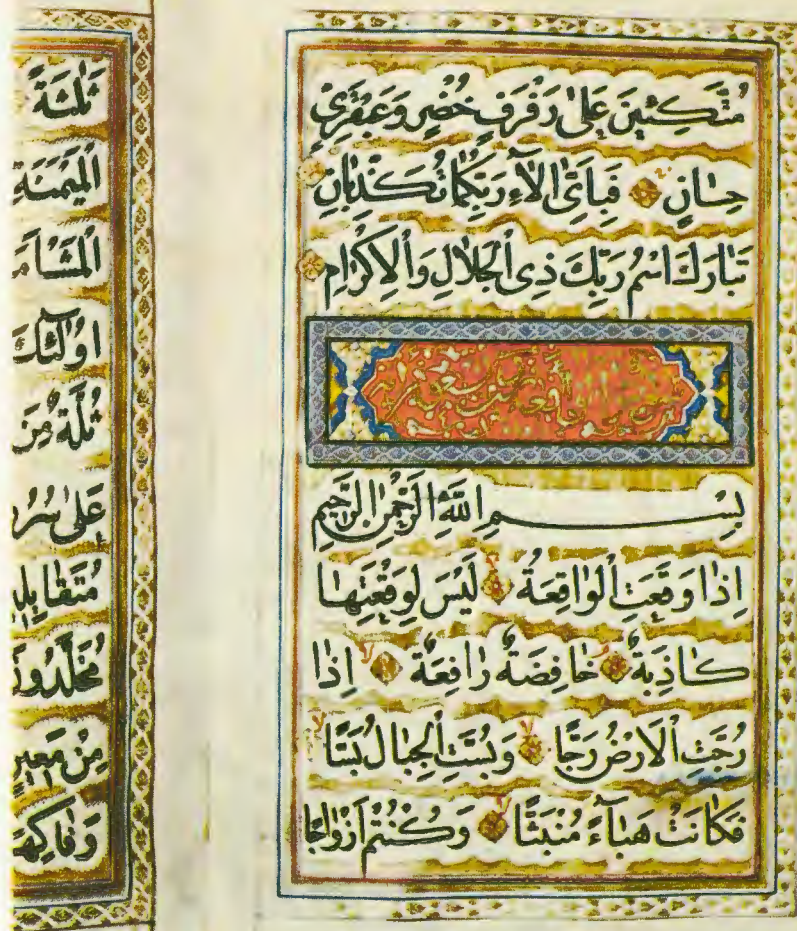
مَنْزُومٌ
 بِرُوحِ الْقُدُسِ
 كُنْتُ

مَنْزُومٌ
 بِرُوحِ الْقُدُسِ
 كُنْتُ

نَدْوَى



۲ السطور
 طلائندازی بین الطسور ص ۳۰ . حاشیه نقاشی
 خط درویش — شکسته ص ۲۱



طلائندازی بین السطور ص ۳۰ . کتیبہ یا سر سورہ یا تزئین
 عنوان ص ۲۷ جدول بندی ص ۲۵ . خط میرزا احمد نیریزی .



نقشه جغرافیائی قدیم

از یک نسخه حافظ ابرو- کتابخانه بریتیش موزیوم



ترنج و سرترنج ص ۲۹ . حل کاری بانقش برگ مو ص ۲۴
حاشیه تشعیر . ص ۲۴ تزین هر صفحه و تمام سرلوح ص ۳۰



نوعی شمسه برسم خزانہ ص ۲۸ . جنگ ابراہیم میرزا



یک نوع شمسه ص ۲۸ و جدول



شمسه ص ۲۸ . ترنج و سر ترنج ص ۲۹ . جدول ص ۲۵



ترنج سرترنج ص ۲۹. تزین صفحه : تذهیب و تشعیر
تمام صفحه ص ۲۴. تمام سرلوح و تمام تشعیر . ص ۲۷



تزئین فهرست نسخه . ص ۳۰



جلد ضربی میشن میناکاری ص ۳۸
ترنج و سرترنج و گوشه . ص ۳۹ و ۲۹



جلد ضربی. متن ترنج و سرترنج. حاشیه کلمات ضربی برجسته



جلد سوخت (اندرون) ص ۳۸



جلد روغنی . گل و بوته . کار شیراز . متن لاکي . ص ۳۹

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱-	فهرست مختصری از آثار و ابنیه تاریخی ایران	شهریور ماه ۱۳۰۴
۲-	آثار ملی ایران (کنفرانس پروفیسور هرتسفلد)	مهر ماه ۱۳۰۴
۳-	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پروفیسور هرتسفلد)	شهریور ماه ۱۳۰۵
۴-	کشف دو لوح تاریخی در همدان (تحقیق پروفیسور هرتسفلد - ترجمه آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵-	سه خطابه درباره آثار ملی و تاریخی ایران (از محمد علی فروغی و هرتسفلد و هانی بال)	مهر ماه ۱۳۰۶
۶-	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پروفیسور هرتسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷-	کنفرانس محمد علی فروغی راجع به فردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸-	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (به قلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹-	تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دوره اجلاس یونسکو در فلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰-	رساله جودیة ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱-	رساله نبض ابن سینا (به تصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۲-	منطق دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقایان سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳-	طبیعیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقای سید محمد مشکوة)	۱۳۳۱
۱۴-	ریاضیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵-	الهیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر محمد معین)	۱۳۳۱
۱۶-	رساله نفس ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷-	رساله ای در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸-	ترجمه رساله سرگذشت ابن سینا (از آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	—
۱۹-	معراج نامه ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	—

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۰-	رساله تشریح اعضاء ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی	—
۲۱-	رساله قراضه طبیعیات منسوب به ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	—
۲۲-	ظفرنامه منسوب به ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳-	رساله کنوز المعزین ابن سینا (به تصحیح آقای جلال الدین همایی)	۱۳۳۱
۲۴-	رساله معیار العقول - جرثقیل - ابن سینا (به تصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵-	رساله حی بن یقظان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن سینا (به تصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶-	جشن نامه ابن سینا (مجلد اول - سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷-	ترجمه مجلد اول جشن نامه به فرانسه (به وسیله آقای سعید نفیسی)	۱۳۳۱
۲۸-	ترجمه اشارات و تنبیهات (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹-	پنج رساله فارسی و عربی از ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰-	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن ماه ۱۳۳۳
۳۱-	جشن نامه ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضاء کنگره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲-	جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگره ابن سینا	۱۳۳۵
۳۳-	جشن نامه ابن سینا مجلد چهارم (شامل خطابه های اعضای کنگره ابن سینا به زبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴-	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵-	جبر و مقابله خیام (به تصحیح و تحشیه آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶-	شاهنامه نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی (به تصحیح و تحشیه آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷-	اشتر نامه شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و تحشیه آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۳۸-	حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹-	نادر شاه تألیف آقای دکتر رضا زاده شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰-	دره نادره تألیف میرزا مهدی خان (با تصحیح و تحشیه آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳۴۰
۴۱-	شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲-	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳-	نامه های طبیب نادر شاه ترجمه آقای دکتر علی اصغر حریری (به اهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴-	دیوان غزلیات و قصائد عطار (به اهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانه مجلس شورای ملی)	۱۳۴۱
۴۵-	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی (با تصحیح و تعلیق آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶-	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیه آقای جلال الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷-	نادره ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او به قلم آقای اسماعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸-	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیه تاریخی فارس) - تألیف سید محمد تقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹-	سفارش نامه انجمن آثار ملی	اردی بهشت ۱۳۴۴
۵۰-	یادنامه شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱-	ذخیره خوارزشاهی، تألیف زین الدین ابوابراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری (به اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی - دکتر محمد شهرداد - دکتر جلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵ شهریور ۱۳۴۴

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۵۲-	دیوان صائب، باحواشی وتصحیح به خط خود استاد - مقدمه و شرح حال به خط و خامه استاد امیری فیروز کوهی	۱۳۴۵
۵۳-	عرائس الجواهر ونفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی به سال ۷۰۰ هجری با مقدمه و کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴-	ری باستان (مجله اول) مباحث جغرافیائی شهر ری به عهد آبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵-	خیامی نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال الدین همائی	آبان ماه ۱۳۴۶
۵۶-	فردوسی و شعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ماه ۱۳۴۶
۵۷-	خردنامه تألیف و نگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی به کوشش آقای عبدالعلی ادیب پرومند	فروردین ۱۳۴۷
۵۸-	فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمد علی امام شوشتری	تیر ماه ۱۳۴۷
۵۹-	کتابشناسی فردوسی، فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و شاهنامه، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰-	روزبهار نامه به کوشش آقای محمد تقی دانش پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱-	کشف الایات فردوسی (جلد اول) به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲-	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمد علی اسلامی ندوشن	خرداد ماه ۱۳۴۸
۶۳-	آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴-	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت الله مهراز	آبان ۱۳۴۸
۶۵-	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان	
	تألیف آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶-	تاریخ بنا کتی به کوشش دکتر جعفر شعار	دی ۱۳۴۸
۶۷-	عهد اردشیر برگرداننده به فارسی سید محمد علی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۶۸-	یادگارهای یزد (جلد اول) تألیف آقای ایرج افشار	بهمن ۱۳۴۸
۶۹-	ری باستان (مجله دوم تألیف دکتر حسین کریمان)	خرداد ۱۳۴۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۷۰-	از آستارا تا استارباد (جلد اول بخش اول)، آثار و بناهای تاریخی	
۱۳۴۹	گیلان بیه پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر
۷۱-	یادنامه فردوسی حاوی مقالات و چکامه ها به مناسبت تجدید آرامگاه	
۱۳۴۹	حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان
۷۲-	فردوسی و شاهنامه او به اهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر
۱۳۴۹	فیلسوف ری، محمد بن زکریای رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق	آذر
۷۳-	سر زمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر
۱۳۴۹	یادنامه هادروان سید حسن تقی زاده به اهتمام حبیب یغمائی	بهمن
۷۴-	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوالبراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی (کتاب دوم)	بهمن
۱۳۴۹	نظری اجمالی به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن	
۷۵-	تألیف آقای دکتر محمد جواد مشکور	بهمن
۷۶-	تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان	
۱۳۵۰	نوشته آقای یحیی ذکاء	فروردین
۷۷-	کشف الایات شاهنامه فردوسی - جلد دوم - به کوشش دکتر محمد دیرسیا قی خرداد	۱۳۵۰
۸۰-	آثار باستانی و تاریخی لرستان جلد نخست - تألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر
۱۳۵۰	۸۱- در دربار شاهنشاه ایران، تألیف ۱. کمپفر آلمانی - ترجمه آقای کیکاووس	
۱۳۵۰	جهانداری	مرداد
۸۲-	نگاهی به شاهنامه، تألیف آقای پروفیسور فضل الله رضا	شهریور
۱۳۵۰	۸۳- مونس الاحرار فی دقایق الاشعار (جلد ۲) تألیف محمد بن بدر جاجرمی	
۱۳۵۰	به سال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیر آقای میر صالح طبیبی	شهریور
۸۴-	مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر	
۱۳۵۰	قائم مقامی	شهریور
۸۵-	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضا زاده شفق	مهر
۱۳۵۰	۸۶- دانش و خرد فردوسی فراهم آورده دکتر محمود شفیعی	مهر
۸۷-	وقفنامه ربع رشیدی (چاپ عکسی) از روی نسخه مورخ به سال ۷۰۹	
۱۳۵۰	قمری زیر نظر آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند

نام کتاب	تاریخ انتشار
مجموع التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری	
با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانابا بیانی	اسفند ۱۳۵۰
۸۹- از آستارا تا استارباد (مجلد دوم) آثار و بناهای تاریخی کیلان	
بیه پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد ۱۳۵۱
۹۰- نصیحة الملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه و تصحیح و تحشیة استاد جلال الدین همائی	آذر ماه ۱۳۵۱
۹۱- آثار باستانی آذربایجان (جلد اول شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنک	آذر ماه ۱۳۵۱
۹۲- مجموعه انتشارات قدیم انجمن	دی ماه ۱۳۵۱
۹۳- مجموعه مقالات فروغی درباره شاهنامه و فردوسی باهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن ماه ۱۳۵۱
۹۴- داستان داستانها - رستم و اسفندیار - تنظیم متن و شرح و توضیح از دکتر محمد علی اسلامی ندوشن	اسفند ماه ۱۳۵۱
۹۵- فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاء الملک حسینی شوشتری	
(قرن ۱۱ هجری) با مقدمه و تصحیح و تعلیق آقای جلال محدث	خرداد ماه ۱۳۵۲
۹۶- تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری تألیف محمدجواد مشکور	تیر ماه ۱۳۵۲
۹۷- ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوالبراهیم اسمعیل جرجانی	
سنه ۵۰۴ هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی	شهریور ۱۳۵۲
۹۸- ترجمه یک فصل از آثار الباقیه ابوریحان بیرونی بخامنه علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت با مقدمه و الحاقاتی از ایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹- مآدها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی درغرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاء پور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰- سیر فرهنگ ایران در بریتانیا یا تاریخ دویت ساله مطالعات ایرانی	
تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱- آثار ملی اصفهان تألیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲- میراف (بندر طاهری) تألیف آقای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳- فرهنگ فارسی به پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام فره‌وشی	فروردین ۱۳۵۳